

واژه نامهء مجاهدین

آرآد ایل بیگی

منی که هرگز - حتی دورآدور - از سینه چاکان چه آیده ئولوژیکی و تشکیلاتی مجاهدین (یا هر سازمان دیگر) نبودم، ناگزیر از اذعان این مطلبم که: سازمان مجاهدین از پاکبآخته ترین و رزمنده ترین تشکیلات این چند دههء آخیر بوده است؛ سازمانی که از اوج افتخار، و دریغا و دریغا! به قعرترین خفت ها رسیده است... و این بی دلیل نیست و در نوشته ای که در حال تهیه ام از «تاریخ» و «تاریخچهء» مجاهدین از ابتدا تا به امروز، چرائی این سقوط عظیم را بیان خواهم کرد.

... و مجاهدین از نوع رجوی کاشتند هر آنچه که امروز درو می کنند (و دریغا، دریغا! همین شان سزاوار!) : ده ها رسانهء اینترنتی بر علیه شان (در تقریباً در قریب اتفاق با یاری وزارت حکومت بلاهت و فلاکت بار اسلامی) براه افتاده است و خود هم ده ها رسانه برای جوابگوئی دارند؛ فراوانی نعمت از هر دو سو!

آنچه که در پیش رو دارید، «فرهنگی» است از مجاهدین تهیه شده ء دست پرورده گان سعید حجاریان موسس وزارت خانمان برانداز اطلاعات - که تحلیل «جامعه شناسانهء» برخوردار با مخالفین جمهوری اسلامی را می خواست و در این فرهنگ، رد پای مجاهدین «تواب» (و به خصوص یک «مجاهد کبیر و قدیمی» که از ابتدا با آنها بود و زیر وبم ها را خوب می داند) بخوبی دیده می شود.

بهر حال و به هر رو برای شناخت مجاهدین به این «فرهنگ» نیاز است و از تحلیل های اطلاعاتی حجاریان ها «فاکتور» بگیرید!

مطلب را از یکی از رسانه های رسمی / نیمه رسمی وزارت اطلاعات می آورم:

یک توضیح: دو هفته کار شد و به تمام روز، با صفحه بندی دوباره، تا این مطلب به بدترین وجهی آورده شده را از حدود ۵۰۰ صفحه را به صورتی آبرومندانه (بی هیچ دست بردن در مطالب) و با بار و تعداد صفحاتی به یک پنجم بیآورم.

واژه ها و اصطلاحات فرقه رجوی (۱)

مقدمه

یکی از شیوه های اساسی شناسایی خرده فرهنگ ها ، مطالعه زبان رایج و لحن گفتاری و نوشتاری آن است ، سازمان مجاهدین خرده فرهنگی سیاسی است که زبان خاصی را برای برقراری ارتباط تدارک دیده است .

اساساً هر چه یک خرده فرهنگ در مناسبات خود به شکل بسته تر عمل کند ، فرهنگ گویشی ویژه ای را تولید می کند که با فرهنگ غالب (فرهنگ کل) تفاوت خواهد داشت، شاید بتوان بخش اعظمی از این سیاق گفتارها را " لوترا " نامید .

لوترا زبان عامیانه و گاه رمز شده ای است که در میان اعضای یک فرهنگ رواج دارد ، از آنجا که سازمان مجاهدین نوعی خرده فرهنگ مجزا و بسته سیاسی است ، زبان گفتاری و نوشتاری ویژه ای یافته است که کنکاش آن برای محققان و افراد دخیل در موضوع خالی از لطف نخواهد بود .

به هر تقدیر سه مؤلفه عمده موجب شده است نوعی لحن گفتاری و فرهنگی ویژه در سازمان مذکور رواج چشمگیری یابد ، به عبارت دیگر لحن کلام شفاهی و نوشتاری سازمان ناشی از سه مؤلفه است :

مشی سیاسی (مبارزه مسلحانه) .

قالب بسته فرقه ای .

اقتضانات عمومی خرده فرهنگ ها .

واژه ها و اصطلاحاتی که در این مجموعه به کار گرفته شده است ، تماماً از طریق بررسی متن و محتوای نشریات و کتب سازمان و نیز برنامه های دیداری و شنیداری آن (رادیو و شبکه تلویزیونی) استخراج گردیده و یا با مطالعه مدارک و دست نوشته های آنها برداشت شده است .

تنی چند از اعضای جدا شده مجاهدین نیز در تهیه و گرد آوری بخشی از واژگان دخالت داشته اند ، این مجموعه حاوی برخی از کلمات رمزی ، اصطلاحات ، واژگان ، تعابیر و تکیه کلام هایی است که غالباً در شرایط پس از انقلاب وضع شده است .

مسلماً آشنایی افراد مبتدی بدان مدخل و زمینه مناسبی برای ورود به موضوع و مطالعه آسانتر تشکیلات را فراهم خواهد آورد ، در اینجا ذکر چند نکته ضروری می نماید :

در توضیح هر واژه ممکن است واژه یا اصطلاح دیگری ذکر شده باشد که برای خواننده مفهوم نباشد ، در این صورت می بایست به توضیح آن در جای دیگر مراجعه نماید .

برخی واژگان ممکن است در ذهن خواننده معنی و مفهوم دیگری داشته باشد ، لیکن در این جا هدف صرفاً بیان معنی آن واژگان از نظر گروه مجاهدین بوده است .

آ

آب شدن : ذوب شدن و حل شدن در تشکیلات .

آتش / آتشی خانه / نفر آتش :

آمادگی و قدرت انجام کار با سلاح های گرم در ترور و درگیری ، در واحدهای تروریستی ، نفر یا نفرات آتش کسانی بودند که بایستی شلیک می کردند و یا بمب و نارنجک می انداختند .

همچنین برای هر خانه تیمی فرد یا افرادی را به صورت آماده برای ایجاد درگیری در نظر می گرفتند که نفر آتش یا آتش خانه خوانده می شدند .

آدائتاسیون / آدائته

انطباق و تطابق ؛ در تشکیلات به معنای سازگاری فرد با برنامه ها و اهداف گروه یا انطباق با شرایط و محیط فعالیت ؛ مثلاً گفته می شد خود را با شرایط جدید آدائته کنید . در مباحث نظری سازمان چه سالهای قبل از انقلاب و چه پس از آن ، به خصوص در مباحث تبیین جهان مسعود رجوی ، آدائتاسیون را معادل مفهوم " اجتهاد " در فقه شیعه می دانستند ، البته با برداشت و تلقی ویژه ای که سازمان داشت .

آرپی جی خوردن : اصطلاحی که برای خلع مسئولیت و تنزل رده به کار می رود ، به افرادی که به دلیلی توبیخ شده خلع رده می گشتند ، گفته می شد : " آر پی جی خورده " .

آزمایش ایدئولوژیک :

تعبیری است که در مورد اقدام مریم قجر عضدانلو برای طلاق از مهدی ابریشمچی و ازدواج با مسعود رجوی و (بالعکس) به کار رفته است ، در موارد دیگر نیز بعدها این واژه استعمال می شد . (برای تفصیل بیشتر ___ انقلاب ایدئولوژیک)

آفتاب

یکی از عملیات های ارتش آزادیبخش مجاهدین در منطقه مرزی فکه ، که در بامداد ۸ فروردین ۱۳۶۷ در چارچوب همکاری با رژیم عراق صورت گرفت ، این عملیات با هدف انهدام لشکر ۷۷ خراسان شروع شد ، ولی مجاهدین در این مورد موفقیتی به دست نیاوردند .

آلترناتیو: بدیل ، جانشین ، جایگزین ، در تشکیلات مجاهدین به سازمان ، جبهه ، حزب و اتحادیه ای که شانس بیشتری برای براندازی حکومت و به دست گرفتن قدرت داشته باشد نیروی آلترناتیو گفته می شود . در تلاشی که مجاهدین پس از فرار بنی صدر و رجوی از ایران صورت دادن تا " غرب " (به طور عمده) ایشان را " تنها آلترناتیو " نظام جمهوری اسلامی بداند ، تأسیس " شورای ملی مقاومت " از همه بارزتر است . سازمان در واقع این شورا را زمینه ای برای سلطه سیاسی خود بر دیگر گروه های اپوزیسیون قرار داده بود ، که می توان در اصل آن را پوشش سیاسی مجاهدین دانست .

آموزش / آموزشی :

نهادی از بخش سیاسی است ، در تشکیلات کلیه نیروها در سطوح مختلف آموزش داده می شدند تا هر یک از نیروها برای انجام فعالیتهای جنایت بار خود توجیه به اصطلاح تئوریک لازمه را داشته باشند . این کار در کنار ارائه تحلیل های ذهنی و بیان خطوط و توجیه آنان صورت می گرفت ، آموزشها در چند زمینه ایدئولوژیک سیاسی ، تشکیلاتی و نظامی داده می شد .

آنارشیسم / آنارشیست :

هرج و مرج طلبی ، هرج و مرج طلب ، به عنوان نمونه در تشکیلات (در سالهای ۵۹ _ ۵۸) به گروهک " پیکار " آنارشیست اطلاق می شد ، سردمداران مجاهدین معتقد بودند که " پیکاری ها " با حرکت های هرج و مرج طلبانه خود زمینه فعالیتهای تروریستی آنان را در آینده از بین می برند . در تحلیل تئوریک مارکسیستی که مجاهدین نیز آن را مثل وحی منزل پذیرفته بودند ، آنارشیسم از نظر طبقاتی دارای ریشه خرده بورژوازی و از نظر سیاسی ارتجاعی است ؛ زیرا در جهت تکامل جامعه نیست ، آنارشیست ها در اصل ضرورت وجود دولت را در هر گونه شرایط اجتماعی نفی می کنند .

آنتن

جاسوس ، خبرچین ، کسی که اطلاعات شنیده شده را به زندانیان یا بازجو یا یک مسئول زندان منتقل می کند ، اصطلاحی است که به نفوذی رژیم چه در زندان و چه در محیط کار و گفته می شود و بیشتر در زندانها کاربرد دارد .

آنتن دار

وقتی می گویند فلانی هنوز نسبت به فلان مسئله یا شخص آنتن دار نشده است ، یعنی نسبت به امر مورد نظر حساس نشده است .

آنتنی کردن

علنی کردن و تلویزیونی کردن اخباری که پیش از این مخفی بوده است .

تاریخ: ۱۳۸۲/۰۹/۱۶

الف

اپورتونیست / اپورتونیسم :

فرصت طلب ، فرصت طلبی ، اصطلاحی مارکسیستی است که به معنی انحراف از اصول و انحراف اصولی از مکتب مارکسیسم _ لنینیسم است ؛ این انحراف بیشتر در زمینه برخورد با خرده بورژوازی مطرح است . در اصطلاح سازمان پر بها دادن به خرده بورژوازی و اهمیت

زیاد دادن به آن در جامعه اپورتونیسیم راست و عکس آن یعنی اتخاذ مواضع چپ روانه نسبت به خرده بورژوازی اپورتونیسیم چپ قمداد می گردد. در تشکیلات حزب توده را سمبل اپورتونیسیم راست و گروهک پیکار را اپورتونیسیت چپ نما معرفی می کنند.

اپوزیسیون:

مخالف سیاسی، مخالف وضع موجود، مجموعه ای از نیروهای سیاسی در داخل یا خارج از کشور که با نظام و رژیم حاکم مخالف هستند. این اصطلاح به طور سیستماتیک در نظام های پارلمانی معنا می دهد و در اصل عبارت است از کوشش اتحادیه ها، حزبها، گروه ها، دسته ها و افرادی که برای دستیابی به هدفهایی در جهت مخالف هدفهای صاحبان قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خواه با استفاده از شیوه های پارلمانی، خواه با شیوه های دیگر. بر این اساس به مفهوم خاص سیاسی، اپوزیسیون یک گروه منسجم قانونی مرکب از اشخاصی است که به طور منظم با یکدیگر دست به عمل بزنند و بتوانند خود را به صورت حکومتی بدیل یا سیاستی بدیل به رأی دهندگان معرفی کنند.

اپوزیسیون را می توان به قانونی و غیر قانونی نیز تقسیم کرد، اپوزیسیون قانونی بر مبنای قانون اساسی و قوانین عادی حاکم بر روابط سیاسی جامعه فعالیت می کند و جا بجایی قدرت سیاسی را صرفاً در چارچوب قوانین به رسمیت می شناسد. اپوزیسیون غیر قانونی روشهای مسالمت آمیز و اصلاح طلبانه را بر نمی تابد و خارج از قوانین موضوعه کشور عمل می نماید. نیروهایی که مبنای آرمانی آنها مبتنی بر تمامت گرایی و نفی دیگران است و تنها ابزارشان خشونت است و صرفاً در شرایط بسته می توانند به حیات خود ادامه دهند، شرایط آزاد را نیز نمی توانند برتابند و از این رو همواره در هر نظامی خود را اپوزیسیون می دانند، مجاهدین در همین راستا قرار دارند.

اتاق تکی:

علاوه بر خانه تیمی که افراد به صورت جمعی در آن زندگی می کردند اغلب پیش می آمد که فرد (عضو یا هوادار تشکیلاتی) ملزم می شد برای تأمین و حفاظت خود و تشکیلات یک اتاق اجاره کند و محملی مناسب نیز برای آن بیابد، چنین اتاقی را اتاق تکی می گفتند. که گاه اعضا نیمه علنی مجرد نیز برای زندگی اختیار می کردند، اکنون اصطلاحی منسوخ شده می باشد و به جای آن خانه تیمی عنوان می شود. نیز <-----> **خانه پشت جبهه**.

اتحادیه:

در تشکیلات به مجموعه ای گفته می شد که برای هماهنگی فعالیت های مختلف هواداران در هر نهاد ایجاد می گردید، مثلاً "اتحادیه انجمن دانش آموزی" که به همین منظور از مجموعه نیروهای کیفی انجمن ها تشکیل می شد و در سازماندهی جدیدی به کار گماشته می شدند. پس از سال ۶۰ معروف ترین اتحادیه، اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور بود که مرکزیت آن در پاریس (اور) بود.

اتوریت: احترام، نفوذ کلام، ابهت و هیبت، در تشکیلات همواره به فرد توصیه می گردید که در برخورد با افراد زیر دست سعی نماید که شخصیتی از خود بروز دهد که موجبات حرف شنوی و اطاعت تشکیلاتی در وی برانگیخته شود، همچنین با شخصیت سازی و ایجاد موقعیت کاذب، در تمام سطوح برای رسیدن به این مقصود تلاش می شد.

اجتماعی / Eg:

بخشی از بخشهای شش گانه در تشکیلات، این بخش در رابطه مستقیم با اقشار مختلف جامعه اعم از دانش آموزان، کارگر، کارمند و قرار داشت که به منحرف کردن، انگیزه دادن و جذب نیروهای مستعد در بین آنها می پرداخت و پس از سازماندهی آنان را برای اهداف نهایی مجاهدین آماده می کرد. این بخش از پنج نهاد تشکیل شده بود که هر نهاد مسئولیت جذب و سازماندهی اقشار خاصی را به عهده داشت، این نهادها عبارت بودند از: نهاد دانش آموزی (۱) (Eg)، نهاد دانشجویی (Eg2)، نهاد کارگری (Eg3)، نهاد محلات (Eg4)، نهاد کارمندی (Eg5) که خود از سه قسمت تشکیل می شد: اصناف، معلمین، کارمندان.

○ = رده عضو N = زیر عضو (نهاد)

H = مخفف هوادار = S = مخفف سمیات

این سازماندهی تا سال ۶۲ رایج بود و بعد از خروج کلی سازمان از ایران به طور کل سازماندهی عوض شد .

اچ (H) شدن :

اصطلاحی که برای تنزل رده "عضو" به "هوادار" و در حاشیه قرار گرفتن وی به کار می رود .

احساس فشار کردن :

عذاب وجدان داشتن افرادی که در قبال انجام وظایف تشکیلاتی یا تمکین ذهنی کوتاهی کرده باشند. **اراده پولادین** : تعبیری است که در خصوص تمکین اعضا نسبت به مرکزیت و رهبری و نیز عزم اجرای دستورات سازمانی به کار برده می شود ، از نگاه بیرونی مطیع ترین و سربه زیرترین اعضا به زعم سازمان دارای اراده پولادین اند ! به عبارت دیگر دارنده اراده پولادین فردی است که با اصرار تمام هر آنچه که مسئول بالاتر می گوید انجام می دهد و شک به خود راه نمی دهد .

اراده صیقل یافته :

منظور از این اصطلاح حل شدن در تشکیلات و دم در نیاوردن است ، صیقل یافتگی یعنی بی مسئولگی و چون و چرا نکردن .

اردوگاه :

نام محل های عمومی در عراق که مجاهدین در آن مجتمع اند ، مجاهدین به محلی اردوگاه اطلاق می کنند که مجموعه ای از نیروها ، بدون تعیین کارکردی خاص برای آموزش و زندگی تشکیلاتی همراه با نشست ها و برنامه های معمول در آن جمع شده اند .

اردوگاه حله :

یکی از اردوگاه های عراق مربوط به ایرانیان پناهنده شده به عراق .

اردوگاه رمادیه :

یکی از اردوگاه های سازمان در عراق ، که در مقطعی محل تبعید جادشدگان از تشکیلات است ، این اردوگاه به طور اخص مربوط به ایرانیان پناهنده و یکی از مراکز جذب نیروی مجاهدین بود .

ارتجاع / ارتجاعی / مرتجع :

برگشت به عقب ، بنیادگرایی ، عقب افتاده ، در مفهوم سیاسی این واژه به معنای مخالفت با پیشرفت اجتماعی و مبارزه طبقات در حال زوال علیه ترقی جامعه است ، به تعبیر دیگر ارتجاع یعنی دفاع از نظام فرسوده و محکوم به نابودی ،

ارتش آزادیبخش ملی ایران :

عنوان تشکیلات نظامی مجاهدین در عراق که با کمک های مالی و تسلیحاتی دولت عراق به وجود آمده است ، در بهار ۱۳۶۶ پس از چند جمع بندی زمینه برای تدارک و اعلام تشکیل چنین ارگانی فراهم شد . در ۳۰ خرداد ۶۶ رجوی تشکیل ارتش آزادیبخش را اعلام نمود ، رجوی در بخشی از اعلامیه خود نوشت : " ارتش آزادیبخش ملی قبل از هر چیز وظیفه دارد به منظور در هم شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام عمومی با اهرم ها و دستگاه سرکوبگر و جنگ افروز دشمن جنگ در چنگ شده و با نبرد تمام عیار آنها را بشکافد و از هم بپاشد و به پیش برود "

این تمهید رجوی در تشکیلات نیز نه تنها مؤثر نبود بلکه بر بحرانها و ریزش های سازمان افزوده شد ، مهم ترین حرکاتی که به اتکای ارتش آزادیبخش انجام شد عملیات موسوم به فروغ جاویدان بود که در جریان شکست آن قریب به سه هزار نفر کشته و مجروح داشت و بار دیگر پروسه شکست سازمان را تسریع کرد .

ارتقاء :

بالا رفتن مسئولیت فرد در تشکیلات که مستلزم اطلاعات کور ، ذوب شدن و حل شدن در تشکیلات و انطباق با معیارهای خاص مورد نظرشان است .

از آبشار پرتاب شدن :

به مفهوم ضرورتاً و بدون هیچ گونه آمادگی قبلی ، وارد مرحله ای از مبارزه و شرایط خاص شدن می باشد و بیان کننده شرایط بسیار خطیر و با ریسک بالا است .

ازدواج تشکیلاتی :

همسر گزینی در تشکیلات که بنا بر اجازه ، تشخیص ، صلاحدید ، تأیید و حتی در بعضی موارد انتخاب مسئولین تشکیلاتی صورت می گرفت ، این قبیل ازدواج ها قبل از شروع عملیات تروریستی قبل از ۳۰ خرداد سال ۶۰ عمدتاً رسمی و همراه با ثبت محضری بود .

در سازمان مجاهدین از ابتدای تأسیس ازدواج امری تشکیلاتی تلقی شده و انتخاب زوج یا زوجه برای اعضا بر اساس رده و مسئولیت صورت گرفته است ، تنها در مواردی که زن و شوهر پیش از پیوستن متأهل بودند وضع فرق می کرد . بدین ترتیب اگر زنی عضو بود شوهر او نیز عضو انتخاب می شد و بالعکس ، این قاعده در خصوص زنان هوادار عوض می شد ، اینان را به ازدواج مردهای هوادار در نمی آوردند ، بلکه به اعضای رسمی می دادند تا با تسلط تشکیلاتی شوهران بتوانند زنان را در تشکیلات حفظ کنند . در ازدواج هایی که خود مجاهدین صورت می دادند اعمال نظر تشکیلات بیشتر کاربرد داشت ، سازمان می توانست از آنها علیه یکدیگر گزارش بگیرد ، چرا که این ازدواج ها نه از روی علاقه بلکه از روی اجبار صورت گرفته بود و محدود به روابط جنسی بود . پس از انقلاب های ایدئولوژیک و به خصوص بعد از نشست طلاق ، رهبری باید جای همسر را برای عضو می گرفت ، همه توجهات به او معطوف می گشت و سایر اشکال عشق ورزیدن ممنوع بود .

تاریخ: ۱۳۸۲/۰۹/۱۸

از قبر خود بیرون آمدن :

(از مجموعه اصطلاحات نشست های درون گروهی) ، منظور خارج شدن از دنیای ذهنی قبلی که به مثابه " قبر " رابطه انسان را با دنیای بیرون از خود نا ممکن می ساخت و به نوعی تعبیری است به منظور تخطئه داشته های فردی افراد و تمثیل آن به " قبر " به منظور ایجاد تغییر در افراد و تبدیل آنها به انسان های جدید و طراز رجوی .

از مردگی در آمدن :

مترادف فعال و اکتیو شدن ، تعبیر از مرحله ای است که فرد از قبر بیرون آمده و دیگر انسان قبلی نیست .

از میدان خارج شدن :

مترادف از موضوع خارج یا پرت شدن .

استاتیک :

سکون و تعادل ایستا ، این اصطلاح بیشتر در توصیف جریاناتی که تحرک دو انعطاف و سازشی در مسائل سیاسی نداشتند به کار برده می شد .

استثمار :

این اصطلاح که توسط مجاهدین زیاد به کار رفته است ، به معنی بهره کشی است ، مجاهدین مطابق تعریف مارکسیستی از این مقوله قایل بودند که معنای علمی (به معنی مارکسیستی که به زعم آنها علم مبارزه است) استثمار یعنی به دست آوردن مجانی محصول کار یک فرد از جانب فردی که صاحب خصوصی وسایل و ابزار تولید است . علت استثمار را مالکیت خصوصی بر وسایل تولید می دانستند و اشکال آن را وابسته به خصلت مناسبات تولیدی حاکم بر جامعه تلقی می کردند ، مجاهدین دورانه‌های تاریخی را مطابق تحلیل مارکسیستی بر اساس اصل استثمار و نسبت آن به جامعه تقسیم می کردند ، که به ترتیب عبارت بود از : کمون اولیه ، برده داری ، فئودالیسم و سرمایه داری .

استثمار رده :

این تعبیر با آنکه سابقه داشته بیشتر در جریان حوادث و نشستهای بعد از انقلاب ایدئولوژیک و شکست فروغ متداول شد ، توضیح این که وقتی یک عضو در رده و مسئولیتی که قرار دارد صلاحیت لازم را نداشته باشد در واقع آن رده را استثمار کرده است و " وحدت فرد و مسئولیت " نقض شده است . نیز / انقلاب ایدئولوژیک _ وحدت فرد و مسئولیت .

استحاله چی :

فرد یا گروهی که هر گونه خشونت و به خصوص مشی مسلحانه در فرایند مبارزه را انکار و رد کند و طرفدار رفرم و اصلاح پذیری نظام جمهوری اسلامی ایران باشد ، استحاله چی نامیده می شود .

استراتژی / استراتژیک :

در تشکیلات همان خط مشی مبارزاتی برای رسیدن به هدف سیاسی _ نظامی خاص تلقی می شد و به اصول مربوطه به خط مشی کلی در مراحل مختلف مبارزه " اصول استراتژیک " گفته می شد و وحدت دراز مدت را هم با سایر گروهکها در یک مقطع از مبارزه " وحدت استراتژیک " می گفتند .

مثلاً گفته می شد که ما با گروههای مارکسیستی " وحدت استراتژیک " داریم ، و این خود هماهنگی و همکاری بین آنان و مارکسیست ها را ایجاب می کرد ، همچنین اگر با نیرویی از نظر خط مشی وحدت داشتند می گفتند که با آن نیرو " وحدت استراتژی " داریم .

به لحاظ کلاسیک ، استراتژی عبارت از تعیین جهت اصلی مبارزه ، تعیین ترکیب و مشخصات نیروها در مرحله ای معین ، تدوین نقشه ها و طرح های ضروری برای استفاده از ذخایر مستقیم و غیر مستقیم سایر نیروها و مانند آن است ، تاکتیک جزئی و قسمتی از استراتژی و تابع آن است . نیز ----- < تاکتیک _ شعارهای استراتژیک _ شعارهای تاکتیک .

استراتژی و تاکتیک :

این دو اصطلاح که در این واژه نامه به طور جداگانه نیز توضیح داده شده اند ، برگرفته از امور نظامی هستند . استراتژی به معنای هدفهای نقشه های دورنمایانه ، مجموعه ای از عملیات وسیع و قاطع برای پیروزی در یک جنگ است و تاکتیک به معنای هدفهای نزدیک، اقدامات بلافاصله و عملیات محلی برای پیروزی در یک نبرد مشخص .

در فرهنگ مارکسیستی که مجاهدین نیز از آن تقلید کرده اند ، استراتژی و تاکتیک عبارت است از علم رهبری مبارزه طبقاتی . لنین شرط رسیدن به نتایج صحیح استراتژیکی و تاکتیکی را مطالعه دقیق شرایط عینی و ذهنی جنبش ، تحلیل وضع مشخص تاریخی و احتراز از چپ روی و راست روی می داند .

فدایی ها دو خط مشی مختلف در مبارزه مسلحانه داشتند ، جناحی از آن طرفدار خط مشی احمد زاده و جناحی دیگر طرفدار خط مشی تدوین شده از طرف جزنی بودند .

کلاً این اصطلاح به همراه تاکتیک و در کنار آن هم استعمال می شد ، مثلاً می گفتند مبارزه مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک است ، یا این که برای پیشبرد هر استراتژی باید تاکتیک های مناسب آن را در نظر گرفت . هر یک از گروهها برای خود جزوه ای تدوین می کردند و در آن استراتژی و تاکتیک های خود را برای رسیدن به اهداف شان تدوین می نمودند ، در این جزوات خط مشی کلی و مراحل مختلف استراتژی به همراه تاکتیک های مناسب با آن آورده می شد .

اسکان :

محل سکونت خانواده ها (زوج ها و فرزندان شان در سازمان) ، این اصطلاح معمولاً به مجموعه واحدهای ساختمانی در کنار بخشی از قرارگاه اصلی نظامی سازمان موسوم به اشرف (پادگان خالص) گفته می شود که روزهای جمعه آخر هفته افراد متأهل به این محل می رفتند تا در کنار خانواده خود باشند .

استقرار :

در تشکیلات به محل و خانه تیمی ، محل استقرار یا اختصاراً استقرار گفته می شد ، مثلاً می گفتند وضعیت استقراری نامناسب است ، یعنی موقعیت خانه تیمی مناسب نیست ، به تعبیر دیگر به محل حضور ثابت افراد ، خانه تیمی ، پایگاه و محل استقرار گفته می شد .

اشل غذایی :

اصطلاحاً به لیست غذایی در تشکیلات گفته می شود ، اشل = اندازه ، میزان ، سطح ، عمدتاً با توجه به این که برای افراد شورایی در اشل بالاتری غذا تهیه می شد و از نظر حجم و کیفیت با غذای افراد دیگر تفاوت می کرد بیشتر در این مورد به کار می رفت .

اصل حداکثر تهاجم :

به مفهوم پیشدستی نظامی تروریستی و استفاده از سلاح به محض شک کردن به چیزی ، مشی مبارزه مسلحانه در مقطع سال ۶۵ بدین نحو توجیه می شد که هنگامی که نیروهای تروریستی اعزام به داخل کشور با نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی برخورد می نمایند در کوتاهترین زمان ممکن اقدام به عمل نظامی علیه نیروهای مقابل نمایند .

اصول / اصولی / غیر اصولی :

به اصول و مبانی ریشه ای در تشکیلات اصول گفته می شود .

به فردی که منطبق بر اصول و مبانی تشکیلات مجاهدین است اصولی می گویند .

و فردی که مغایر با معیارها و اصول تشکیلات است ، غیر اصولی می گویند .

اصول حاکم بر یک تشکیلات یا سازمان انقلابی ، (اصول سازمانی) :

مجاهدین ضوابط و اصول حاکم بر یک سازمان انقلابی را تحت عنوان اصول سازمانی یا اصول حاکم بر یک تشکیلات یا سازمان انقلابی مطرح کرده آموزش می دادند ، هفت اصل مزبور بدین قرار است :

۱. وحدت فرد و مسئولیت . ۲. مرکزیت دموکراتیک . ۳. انتقاد و انتقاد از خود . ۴. انضباط آهنین . ۵. رهبری جمعی . ۶. اعتماد برادرانه . ۷. ضرورت وجود انقلابیون حرفه ای .

اضداد مقاومت :

مخالفان سازمان که تضاد آنتاگونیستی ، آشتی ناپذیر و مستمر و لاینحل با تشکیلات داشته باشند ، به گروه و اشخاص مخالف سازمان یا به افراد و سازمان هایی که به رفتارها و سیاست های سازمان انتقاد دارند اطلاق می شود .

اطاعت تشکیلاتی :

اطاعت از فرمانده یکی از اصول نظامی در ارتش و اطاعت تشکیلاتی یکی از اصول تشکیلاتی در احزاب و سازمان های مارکسیستی و شبه مارکسیستی است ، در تشکیلات همواره اطاعت بی چون و چرا و محض از دستورات مسئولین تشکیلاتی و حتی اجرایی با این اصل توجیه می گردید و هر فرد موظف بود حتی کاری را که علتش را نمی دانست و یا با انجام آن مشخصاً مخالف بود انجام دهد .

اطاعت تشکیلاتی در یک سیستم قانونمند حکومتی مبتنی بر مصالح عامه است ولی در جمع سازمان توتالیتر و بسته صرفاً کورکورانه است ، در تشکیلات مجاهدین که اساس آن بر سکوت و اطاعت محض استوار است ، اطاعت تشکیلاتی صرفاً کورکورانه است ، این اصل یکی از ارزش های مبنایی تشکیلات و یکی از عوامل رشد افراد در تشکیلات نیز می باشد .

اعتبار خواهر مریم :

منزلت متکی بر تملقهای ویژه اعضا نسبت به مریم قجر عضدانلو به این اصطلاح تعبیر می شود .

اعتراف نوشتن :

خود را مقصر خواندن و در برابر تشکیلات ذلیل شمردن ، این امر به خصوص در فرایند ریزش نیروها و جدایی از تشکیلات رواج یافت ، بدین معنی که فرد در حال جدایی را مجبور می کردند اعتراف کند که خود لیاقت عضویت در سازمان و درک مسعود و مریم را نداشته و صد در صد مقصر است . در این اعتراف نویسی خود باید به ضعفها ، گناهان و دیگر تقصیرات خود مقرر می شد ، زمانی که فرد از تشکیلات بیرون می رفت و احیاناً موضع مخالف علیه سازمان می گرفت نوشته های وی توسط سازمان در یک فرایند شانتاژگونه علنی می شد تا آبرویی برای فرد نماند .

در سالهای اخیر ، اعتراف نویسی جنبه عام پیدا کرده و در راستای الزامات مربوط به تغییر افراد به انسان های طراز سازمان ، همه افراد لزوماً باید اعتراف می کردند که در دستگاه قبلی به نوعی در قالب تفکرات خائنانه اسیر بوده اند ، تأکید می شود که همه افراد بایستی این اعتراف را داشته باشند .

تاریخ: ۱۳۸۲/۰۹/۱۹

اعتماد / اعتماد تشکیلاتی / اعتماد برادرانه (تشکیلاتی) :

یکی از هفت اصلی است که مجاهدین مدعی بودند در یک تشکیلات انقلابی باید حاکم باشد و آن را چنین تعریف می کردند که بدون اعتماد برادرانه هیچ انقلابی به پیروزی نخواهد رسید .

اعتمادی که محصول جریان سخت مبارزه بوده و با گذار از کورانها و فراز و نشیب های هر مرحله به دست می آید ، البته مجاهدین اصل مارکسیستی " اعتماد متقابلانه " را اقتباس کرده با تغییر مختصری تبدیل به اعتماد برادرانه کرده اند .

اعتماد در یک سازمان انقلابی محصول و نتیجه " وحدت ایدئولوژیک _ تشکیلاتی " است ، بدون این اصل با شدت گرفتن مبارزه ، تشکیلات به انشعاب و چند دستگی کشیده می شود و روابط تشکیلاتی از هم می گسند .

افراد در تشکیلات بایستی به هم اعتماد برادرانه داشته باشند ، فرد پایین تر باید به مسئول خود اعتماد کند و بالعکس ، همین طور کل تشکیلات نسبت به مرکزیت باید اعتماد داشته باشد و بالعکس و این موجب می شد تا کلیه افراد در جریان کارها هیچگاه به صحت گفته های یکدیگر شک نکنند و در اجرای خطوط و برنامه ها مشکلات کمتری بروز کند .

البته این اصطلاح در حال حاضر متداول نیست ، زیرا کلمه برادرانه بار جنسی دارد ، ثانیاً در سالهای اخیر اعتماد عنصری است که از فرودست به فرادست تقدیم می شود و به دلیل " توطئه های رژیم " امکان کارکرد متقابل این عنصر موجود نیست !

اعدام / اعدام انقلابی :

در تشکیلات ترورها و جنایات تروریستی با لفظ اعدام انقلابی توجیه می شد ، این اصطلاح در مواردی که صراحت در بیان لزوم به قتل رساندن افراد ضروری می بود به کار می رفت .

اعزام :

منظور خروج مخفیانه و غیر قانونی از مرزهای کشور می باشد ، این اصطلاح اختصاصاً به خروج نیروهای مجاهد از ایران و رفتن شان به خارج از کشور اطلاق می شد ، پس از ضربه های هولناک ۱۲ اردیبهشت تا ۱۰ مرداد ۶۰ و اجرای پروژه " عملیات مهندسی " (شکنجه و زنده به گور کردن پاسداران انقلاب اسلامی) این امر ابتدا به عنوان " خط خروج " مطرح شد که مترادف " فرار " بود . بعدها که امکانات ارتباطی مثل رادیو و تلفن در این امر مورد استفاده قرار گرفت اصطلاح اعزام متداول شد .

بعد از شروع عملیات تروریستی و به خصوص پس از ضربات مهلکی که بر تشکیلات مجاهدین در داخل کشور وارد شد ، مرکزیت تصمیم به فرار و خارج کردن نیروهای خود از کشور گرفت .

اصولاً انتقال قطعی افراد جهت مأموریتی خاص را اعزام می گویند ، مانند : اعزام از عراق به اروپا و بالعکس ، اعزام به داخل کشور از عراق و اعزام به منطقه و بسیج نیرو جهت فرستادن به عراق را اعزام به منطقه گویند ، با توجه به این که کلمه عراق تبعات منفی در اذهان ایجاد می کند ، لفظ منطقه را به کار می برند .

افت / افت تشکیلاتی :

پایین آمدن ، نزول کردن ، افول کردن ، در تشکیلات این امر در مقابل ارتقای تشکیلاتی مطرح می شود ، یعنی اگر کسی راندمان و نتیجه کارش در یک دوره نسبت به دوره قبل از آن کم باشد و یا کیفیت تشکیلاتی اش نزول کند و هماهنگ با تشکیلات فعالیت نکند می گویند افت کرده است ، یکی از عوامل نزول و مسئولیت افراد در تشکیلات افت تشکیلاتی آنان محسوب می شد .

افتخار ایدئولوژیک :

احساس کاذبی که در پی انقلاب ایدئولوژیک (ازدواج مسعود و مریم) هر عضو باید داشته باشد و بدین مفهوم است که " افراد عادی " به مسائل و موضوعاتی ممکن است افتخار کنند و احساس فخر و سربلندی به آنان دست بدهد ، ولی افراد سازمان صرفاً در چارچوب ایدئولوژی خود فخر ، مباحات و افتخار به بعضی داشته ها و عمکردها دارند ، به این احساس و بروز آن می گویند افتخار ایدئولوژیک .

اقتصاد به زبان ساده :

از کتب آموزشی سازمان که پیش از ضربه شهریور ۱۳۵۰ تدوین شده و نوشتن آن را به محمود عسکری زاده نسبت داده اند ، کتاب تلخیص ابتدایی و ساده ای از مفاهیم اقتصاد سیاسی مارکسیسم است و شبیه آن را توده ای ها در سالهای دهه ۱۳۲۰ با عنوان اصل علم اقتصاد انتشار دادند که عبدالحسین نوشین تلخیص و تألیف کرده بود .

در کتاب به مقوله هایی مثل " روبنا و زیر بنا " ، " ابزار تولید " ، " ارزش اضافی " ، " ارتش ذخیره کار " و که متداول مارکسیست هاست پرداخته شده است .

اقطاب

در تشکیلات خصوصاً قبل از شروع عملیات تروریستی همواره در جلب حمایت شخصیت های مورد قبول مردم ، فعالیت هایی صورت می گرفت ، این کار از طریق افراد نزدیک به آنان و دوستان و آشنایان هر شخصیت صورت می پذیرفت . با این هدف که در صورت جلب حمایت آنان عده ای از طرفداران شان به طرف گروه کشانده شوند و موقعیت و مشروعیتی برای آنان ، یعنی تشکیلات مجاهدین در بین مردم جامعه ایجاد شود . این کلمه از دو قطب جاذب مغناطیسی (S و N) اخذ شده است و به افرادی گفته می شد که توان جذب دیگر افراد را داشته دارای شخصیتی جاذب می باشند .

اکتیو :

فعال ، وقتی می گویند فلان فرد اکتیو است یا برخورد اکتیو می کند یا برخوردش اکتیو است یعنی با کارهای مختلفی که مسئولین تشکیلاتی به وی محول می کنند فعال برخورد می کند .

اکتیوتر :

فعال تر ، حدیث بیشتر در جهت انجام مسئولیت های محوله سازمانی .

اکنونیست :

فرد معتقد به اصالت اقتصاد ، این اصطلاح را مجاهدین و دیگر گروههای چپ به کسانی اطلاق می کردند که در دوران شاه مشی مسلحانه را رد می کردند و قایل به کار سیاسی _ ایدئولوژیک روی کارگران بودند .

اکیپ :

به مجموعه چند تیم اکیپ گفته می شد که پس از شروع عملیات تروریستی به مجموعه چند واحد نیز اکیپ گفته شد ، کلاً نیروهای هوادار در تیمها و واحدها سازماندهی می شدند و هر اکیپ مسئول و فرمانده ای به نام " سر اکیپ " داشت که وی دستورات و فرامین لازم را از طریق سرتیم های تحت مسئولیت خود به افراد تیم یا واحد می رساند.

الگو :

واژه ای است مترادف " اسوه " که مجاهدین در تحلیل از افراد ، قشرها و سوژه های مورد نظر (حتی شخصیت های قدسی) به کار می برند ، فعلاً " الگوی زن یکتا پرست انقلابی " .

اماکن پوششی :

این مقوله در سالهای پس از انقلاب بیشتر مطرح بود ولی قبل از آن نیز چه توسط مجاهدین و چه توسط گروه های دیگر وجود داشته است ، ولی امکان راه انداختن اماکن پوششی در دوره بعد از انقلاب سهل تر و همه گیر تر شد . اماکن پوششی یک رشته مکانها و امکاناتی هستند که برای تمام وظایف (توزیع ، چاپ ، نشست ، تحریریه ، ارتباطات و) می توانستند مورد استفاده قرار بگیرند ، برای تهیه این امکانات به پول گزافی نیاز بوده و معمولاً مجاهدین از موقعیت مناسب تری برخوردار بودند .

امداد :

اصطلاحاً به مرکزی پوششی گفته می شد که محل آن به " خانه سرهنگ زیبایی " معروف بود که گویا شکنجه گاه ساواک بوده است ، پس از پیروزی انقلاب سازمان زیر پوشش کمک های اولیه و بهداشت و درمان این خانه را تصرف کرد و " امداد پزشکی " وابسته به " جنبش ملی مجاهدین " نام نهاد .

بسیاری از هواداران تشکیلاتی در این محل عضو گیری می شدند ، امداد به طور خاص به " مرکز امداد پزشکی " تشکیلات اطلاق می شد ، در فرهنگ اخیر مجاهدین این اصطلاح مترادف " درمانگاه " است .

امر بر :

این اصطلاح فقط تشابه لفظی با مورد استعمال آن در ارتش دارد و در تشکیلات مجاهدین به معنای " آبدار چی " است .

امنیت / امنیتی :

در هر بخش و نهاد از تشکیلات برای جلوگیری از دستگیری افراد و لو رفتن مراکز فعالیت و خانه های تیمی و شیوه های کار و جلوگیری از نفوذ عناصر مشکوک به درون تشکیلات قسمتی به نام امنیتی وجود داشت که کارش تعیین ضوابط و دستوراتی بود که تمام افراد در بخش موظف به اجرا و رعایت آن ضوابط و دستورات بودند .
مثلاً هر فرد موظف بود برای حمل و نقل مدارک به همراه خود آن را در جاسازی حمل کند که این خود یک ضابطه امنیتی قلمداد می شد ، قسمت در بخشها و نهادهای مختلف تشکیلات به نام های دیگری هم خوانده می شد ، مثلاً به قسمتی امنیتی در نهاد دانش آموزی " خدمات " می گفتند .

انبار داری :

انبارداری از کارهایی بوده که از گذشته در میان مجاهدین و دیگر گروهها وجود داشته است در دوران مشی چریکی زمان شاه ، در محدوده هر " شاخه " یک یا دو نفر بودند که به آنها این وظیفه داده می شد که برای نگهداری اسناد و مدارک و بعضی امکانات (کتاب ، نشریه ، اسناد درونی ، شناسنامه ، مهر ، سلاح و) انباری تهیه نموده آن را توجیه کنند و پوشش دهند .

انتخاب ایدئولوژیک :

انتخاب مریم قجر برای ازدواج با مسعود رجوی را انتخاب ایدئولوژیک می نامند ، در حال حاضر نیز انتخاب صوری مسئول اول سازمان که هر دو سال یکبار صورت می گیرد تحت عنوان انتخاب ایدئولوژیک مطرح می شود .

انتقاد / انتقاد از خود :

یکی از هفت اصلی است که مجاهدین آن را حاکم بر یک تشکیلات عنوان می کردند ، این اصل را نخستین بار لنین مطرح نمود و بعدها مانو آن را تفصیل داد ، مجاهدین در تعریف و تبیین این اصل می گویند : این اصل در استحکام هر سازمان انقلابی و ایجاد وحدت عمیق تر و منسجم تر حول اصول اساسی نقش بارز و تعیین کننده دارد که بدون آن سازمان در خطر تجزیه و تلاشی قرار می گیرد .
ضرورت انتقاد و انتقاد از خود به دنبال پذیرش این واقعیت درک می شود که اختلافات و درگیری های ناشی از تضادهای اجتماعی در سازمان هم منعکس می گردد ، علاوه بر آن حضور تمایلات و گرایشهای فردی نیز اجتناب ناپذیر است ، مبارزه با این نارسایی ها از طریق عمل کردن به اصل انتقاد و انتقاد از خود امکان پذیر می شود .

انتقاد از خود :

در قاموس تشکیلات مجاهدین یعنی خود را بی هویت کردن و اعتراف به گناه کرده یا ناکرده می باشد و در اصل به پذیرش و پیشدستی در امر " خودزنی " و داشتن آمادگی برای این که فرد مورد تهاجم دیگران قرار گیرد اطلاق می شود .

تاریخ: ۱۳۸۲/۰۹/۲۰

انرژی آزاد کردن :

به مفهوم کشف و بکارگیری استعداد و توانایی های ویژه ای است که قبلاً افراد از آن بی اطلاع بوده و بهره نمی گرفتند و یا کارهایی که قبلاً افراد حاضر به انجام آن نبوده ، سپس طی مراحل نهایتاً حاضر به انجام آن کار شده اند .

انرژی گرفتن :

به وجود آمدن اصطکاک در حین انجام وظایف که موجب می شود کارایی فرد کاهش یابد و اتلاف وقت و انرژی از فرد مسئول و دیگر افراد را موجب شود .

انجمن :

در حال حاضر به انجمن دانشجویان مسلمان اطلاق می شود و مخفف آن می باشد ، و یا انجمن های پوششی که در خارج از کشور مشغول فعالیت به نفع سازمان هستند ، در سالهای پس از پیروزی انقلاب مجموعه نیروهای هوادار وابسته به هر نهاد از تشکیلات مجاهدین اصطلاحاً انجمن نامیده می شد .

تشکیلات انجمن ها زیر نظر مسئولین نهادها ، مستقیماً و یا از طریق اتحادیه ها (که بعداً تشکیل شد) اداره می شد ، کار انجمن ها جمع آوری امکانات ، فروش نشریه و کتاب ، انجام کارهای تبلیغاتی ، شرکت در میتینگ ها و تظاهرات و بود .

البته پس از شروع عملیات تروریستی تیمهای انجمن ها در واحدهای تروریستی سازماندهی شدند و به کشتار مردم پرداختند ، انجمن ها در مدارس ، دانشگاهها ، ادارات ، محلات و به وجود می آمدند .

مثلاً " انجمن مدرسه شریعتی " که تمامی نیروهای هوادار دانش آموز در دبیرستان مذکور را زیر پوشش خود داشت یا " انجمن محلی خزانه " که هواداران را در محله مزبور اگر در محل کارشان زیر پوشش نبودند سازماندهی می کرد .

انحصار طلبی / انحصار طلب :

چیزی یا نفعی را فقط برای خود خواستن ، در تشکیلات سعی می شد سازش ناپذیری جمهوری اسلامی را به عنوان انحصار طلبی معرفی نمایند و مدعی می شدند که اجازه فعالیت به سایر نیروها داده نمی شود .

این واژه عمدتاً در زمان درگیری های داخلی ابتدای انقلاب و در سال های ۵۹ _ ۵۸ به کار می رفت که بعدها واژه های دیگری جایگزین آن شد .

اندیویدو آلیسم / اندیویدو آلیست :

فردگرایی ، فردگرا ، فرد و جریانی که حرکاتش فردی و جدای از تشکیلات و یا جریانات فعال جامعه باشد ، در کاربرد تشکیلاتی به حرکات جدا از خطوط و رهنمودهای تشکیلات ، حرکات اندیویدو آلیستی گفته می شد و به فردی که خط خودش را می رفت و کاری به خطوط تشکیلاتی نداشت اندیویدو آلیست (فرد گرا) می گفتند .

در حال حاضر این اصطلاح رایج نیست و واژه " فردیت " جای آن را گرفته و مجموعه ضد ارزش ها در سازمان در حال حاضر در دو واژه " فردیت " و " جنسیت " خلاصه شده است .

انزوا / منزوی / منزوی گردن / منزوی شدن :

به معنی گوشه گیری و گوشه نشینی و عزلت است ، یک فرد یا جریان سیاسی اگر با مسائل سیاسی پیرامون خود برخورد فعال نداشته و خود را مطرح نکند کم کم منزوی می گردد و طبیعتاً در میان سایر نیروها به حساب نیامده کنار زده می شود .

انسجام :

روان شدن (بودن) ، منظم شدن (بودن) ، این کلمه اینطور به کار می رود که به عنوان مثال بحث در مورد فلان مطلب انسجام کافی دارد یا از انسجام خاصی برخوردار است ، در این موارد منظور این است که مطلب خوب سرهم بندی و جفت و جور و سر راست است .

انسجام تشکیلاتی :

نظم و روانی امور مربوط به تشکیلات و عاملی که از اعمال خود به خودی و خارج از کنترل افراد جلوگیری کرده مانع انشعاب می شود و افراد تشکیلاتی خیلی بدان مباهات کرده به آن افتخار می نمایند و آن را ارزش می دانند .

انشعاب :

جدا شدن و کنار کشیدن از تشکیلات و جریان یا گروه دیگری را شکل دادن ، چند مورد از انشعاب های مهم در سازمان مجاهدین پیش از انقلاب و پس از آن از این قرار است :

الف (انشعاب شریف واقفی و یارانش در مخالفت با مرکزیت مارکسیست شده .

ب) انشعاب رضا رئیسی ، حسین رفیعی و حمید نوحی (مؤسسان انجمن های دانشجویان مسلمان در اروپا) از سازمان در سال ۱۳۵۹ که شرح آن را خود در کتاب روند جدایی آورده اند .
ج) انشعاب پرویز یعقوبی و جمعی دیگر در زمستان ۶۳ و انتشار متنهای افشاگرانه علیه رجوی و دار و دسته اش ، البته دو مورد اخیر در فرهنگ سیاسی و ارزشی مجاهدین انشعاب محسوب نمی شود .

انضباط آهنین :

از اصول هفت گانه حاکم بر تشکیلات در فرهنگ مجاهدین که چنین تعریف می شود : " انضباط به معنی پذیرش نظم و انضباط آهنین مبین عالی ترین انطباق آگاهانه با اصول و ضوابط تشکیلاتی است ."
انضباط آهنین یا نظم آهنین در عرف مجاهدین و دیگر گروه های انقلابی و چریکی ، اغلب مارکسیستی ، از اصول مهم حاکم بر یک تشکیلات انقلابی است ، این اصل در اوج تبعیت تشکیلاتی و حل شدگی عمیق فرد درون تشکیلات ظهور می کند .
انضباط آهنین گاه به قول مجاهدین " پولادین " از علایم اطاعت تشکیلاتی فرد و وفاداری اش نسبت به موازین گروه و سازمان است ، انضباط آهنین صفتی است که بیان کننده شکل و شمایل انسجام تشکیلاتی می باشد .

انضباط حزبی :

انضباط یعنی رابطه هماهنگ یک شیء یا فرد با سایر اشیاء و افراد در جهت انجام کار یا رسیدن به هدفی معین ، " تشکیلات " در اینجا مراتب و ساختار یک سازمان سیاسی است ، انضباط در یک حزب یا سازمان مبتنی بر تشکیلات منظم عبارت است از اجرای دقیق موازین و معیارهای تعیین شده در اساسنامه حزب و انجام وظایفی که متوجه فرد و سازمان حزبی است ، این نوع انضباط از پیامدهای سانترالیسم حزبی و تشکیلاتی است .

انضباط تشکیلاتی :

از اصول تشکیلاتی مجاهدین که برای پیشرفت بدون وقفه کارها روی آن تأکید می شد ، انضباط تشکیلاتی بود و این به مفهوم اجرای کلیه ضوابط و دستورات از طرف هر فرد تشکیلاتی محسوب می شد و همه افراد موظف به رعایت آنها در حیطة فعالیت جمعی و کارهای فردی خود بودند .
اصل مذکور و سایر اصول تشکیلاتی مجاهدین از اصول تشکیلاتی مکتب مارکسیسم و احزاب مارکسیست اخذ شده بود و رعایت کلیه اصول مذکور از طرف یک عضو تشکیلات نشان دهنده اطاعت تشکیلاتی وی بود .

انطباق :

تطبیق یافتن ، هماهنگی و هم‌رنگی با شرایط خاص ، مثلاً اگر شرایط جامعه و آگاهی مردم اقتضا کند که موقتاً ما یک سری مواضع خودمان را مطرح نکنیم ، بایستی خود را با این شرایط (اگر چه موقتی) انطباق دهیم .
مجاهدین از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی قصد براندازی نظام جمهوری اسلامی را از طریق مبارزه مسلحانه داشتند ، ولی چون شرایط اقتضا نمی کرد به طور موقت (تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰) خود را با شرایط انطباق داده و وارد عمل نشدند .

انطباق با رده :

به بهانه ای مسئولیت فرد را از وی سلب کردن ، و به معنای دیگر وی را نالایق برای رده ای که در آن بوده است دانستن ، انطباق با رده بیشتر بهانه ای برای گرفتن مسئولیت از فرد و توجیه آن برای دیگران است تا مسئله دار نشوند .

انطباق با شرایط :

خود را با وضعیت محیط منطبق نمودن ، قدرت سازگاری با هر گونه وضعیت ؛ با محیط همخوانی و همراهی کردن ، مترادف " آداپتاسیون " .

انطباق با مسئول :

نوعی سازمان پذیری و همخوانی و هم‌نوایی با اوامر مسئول تشکیلاتی خود ، حرف شنوی از مسئول بدون چون و چرا و اطاعت محض و سوق دادن افراد برای تن دادن به این امر را می گویند .

انطباق فعال :

نه تنها فرد و بخش های تشکیلاتی می بایستی خود را با خطوط جدید منطبق کنند بلکه باید دیگران را در این مسیر فعال کنند و به نوعی کاسه داغ تر از آتش باشند .

انعطاف :

دو تا شدن ، خم شدن ، برگشتن ، نرمش ؛ این کلمه در اصطلاحات تشکیلاتی به مفهوم نرمش و نرمش نشان دادن مورد استفاده قرار می گرفت ، بدین شکل که گفته می شد ما در برابر فشارها نرمش داشته باشیم .

انعکاس :

به معنی و مفهوم بازتاب ، به عنوان مثال این اصطلاح این طور استفاده می شد : "انعکاس مواضع ما در جامعه " مجاهدین در برابر هر جریان و مسئله خاصی که در جامعه رخ می داده موضع گیری خاصی می کردند .
طبیعتاً این موضع گیری در بین مردم ، ، گروهکهای دیگر و کشورهای دیگر (اعم از حکومت هایشان و گروه های موجود در آنها) مطرح شده و آنها عکس العمل های خاصی نشان می دادند ، مجموعه این عکس العمل ها همان انعکاس مواضع بود .

تاریخ: ۱۳۸۲/۰۹/۲۱

انفجار رهایی :

از اصطلاحاتی است که در مراحل انقلاب ایدئولوژیک کاربرد داشت و نشانگر تسلیم و انقیاد وسیع اعضا ، پس از نشستی که در حضور رجوی مجبور به اقرار به گناه و توبه شدند . **برای تفصیل بیشتر -----> انقلاب ایدئولوژیک .**

انقلاب دره زدایی :

مفهومی که برای دره شکستن مسئولیت و خلع رده تشکیلاتی افراد مسئول سازمان به کار می رود . **در این خصوص -----> انقلاب ایدئولوژیک .**

انقلاب ایدئولوژیک :

روندی بود که در سال ۱۳۶۴ توسط مجاهدین مطرح شد ، پس از شکستهای سنگین و تعویق وعده های سازمان جهت سقوط جمهوری اسلامی سازمان دچار بحران شد ، برای گذر از این بحران ، به خصوص ریزش نیروها در اواخر زمستان ۶۳ و اوایل بهار ۶۴ ناگهان اعلام شد که مریم قجر عضدانلو (همسر مهدی ابریشمچی) به مقام همردیفی مسئول اول سازمان (مسعود رجوی) ارتقاء پیدا کرده ، از همسر خود جدا شده و با مسعود رجوی ازدواج کرده است .

انقلاب ایدئولوژیک زمانی مطرح شد که رجوی و ابریشمچی در جریان برگزاری ازدواج مذکور این اقدام را " انقلاب نوین ایدئولوژیک مجاهدین " نام دادند ، اینان مدعی شدند که مضمون این انقلاب جدید ارتقای نقش زن و تأمین تساوی حقوق زن و مرد در سازمان است ، از آن پس رجوی و مریم با القاب متملقانه ای مورد ستایش اعضای سازمان قرار گرفتند .

پس از این ماجرا سرکردگان گروه هر از چندگاه برای غلبه بر بحرانهای پی در پی که دامن مجاهدین را می گرفت یک " انقلاب " دیگر پیش می کشیدند که اکنون به هشت مورد رسیده است .

چهار مرحله نخست آن بدین ترتیب است :

انقلاب ایدئولوژیک اول (مرحله اول انقلاب ایدئولوژیک) : منظور همان ازدواج و تبعات پس از آن است که توسط مخالفان جدا شده به " کودتا علیه کار جمعی و شورایی " معروف شد .

انقلاب ایدئولوژیک دوم (مرحله دوم انقلاب ایدئولوژیک) : در این مرحله که چند ماه پس از مرحله اول مطرح شد ، رجوی برای سرکوب عناصر قدیمی تر و نیروهای " مسئله دار " این موضوع را مطرح نمود که به منظور " انطباق با مسئولیت " یا " وحدت و انطباق فرد با مسئولیت و رده اش " باید بسیاری از افراد خلع رده شوند ، در این مرحله مسئولیتهای جدیدی به دختران و زنان تفویض شد .

انقلاب ایدئولوژیک سوم (مرحله سوم انقلاب ایدئولوژیک) : رجوی اسم این مرحله را که پس از یک سری بحران پیش آمد ، " تنگه و توحید " گذاشت ، این مرحله در پاییز ۱۳۶۷ و به دنبال شکست فروغ پیش آمد . رجوی در قبال اعتراض های اعضا درباره شکست عملیات و تلفات سنگین سازمان ابتدا عملیات سازمان را در آن مرحله " بیمه نامه " نام داد اما بعد همه گناهان را به گردن اعضا انداخت . رجوی ادعا کرد که افراد بدین علت در " تنگه چهار زبر " گیر کردند که در ذهن خود هزاران تنگه داشتند ! و در واقع " توحیدشان " ناقص بوده ، چرا که آنها فقط باید در ذهن خود به رهبری بیندیشند و به هیچ کس دیگری از لحاظ عاطفی ، حتی نباید وابسته شوند و علایق همسری و فرزندى را شرک آلود دانست و گفت که اعضا فقط باید به رهبریشان (یعنی مسعود) علاقه داشته باشند .

انقلاب ایدئولوژیک چهارم (مرحله چهارم انقلاب ایدئولوژیک) : این مرحله به "انقلاب طلاق " نیز معروف است ، رجوی احساس می کرد که تنها در دوران محفل ها و حریم خانواده است که سازمان بر اعضا کنترل ندارد ، از این رو در یک نشست عمومی ، ضمن طرح مسئله " فرد و جنسیت " تعلقات خانوادگی را سد پیروزی نامید و از همه خواست که حلقه های ازدواج شان را در یک سینی که به دست گرفته بود بریزند .

در این نشست که نظیر آن چندین بار تکرار شد زن و شوهرها را مجبور می کردند که در مقابل هم قرار گیرند و به یکدیگر دشنام دهند ، از آن به بعد طلاق های دسته جمعی دامن همه افراد سازمان را گرفت و همه مسئولیتها به زنان سپرده شد .

انقلاب ضد سلطنتی :

تعبیری خاص از انقلاب اسلامی ایران و پیروزی ۲۲ بهمن ۵۷ ، به این مفهوم که این انقلاب صرفاً جنبه ضد سلطنتی داشته و فاقد جنبه های دیگر مبارزاتی بوده است .

انقلاب حرفه ای : <----- ضرورت وجود انقلابیون حرفه ای

انقلاب " ف " :

اصطلاحی که به یکی از مراحل انقلاب ایدئولوژیک مربوط است که طی آن " فردیت " در هم شکسته شد ، حرف " ف " مخفف " فردیت " است ، در این مرحله همه افراد می بایستی از " هویت فردی " تخلیه شده و صرفاً جزئی از یک " جمع " باشند و هیچ گونه هویت فردی برای خود قائل نباشند . **برای آگاهی بیشتر <----- انقلاب ایدئولوژیک**

انقلاب نوین :

تعبیری دیگر از انقلاب ایدئولوژیک (ازدواج مریم و مسعود) البته انقلاب به مفهوم دگرگونی بنیادین اطلاق می شود ، و به زعم مجاهدین انقلاب نوین دگرگونی بنیادین (شکل نوین و جدید آن و تغییر تمامی ساختار ذهنی و فکری و تبدیل شدن به انسانی دیگر است . **در این خصوص <----- انقلاب ایدئولوژیک .**

انگیزه / با انگیزه / بی انگیزه :

سبب ، باعث ، آنچه که کسی را به کاری وادار می کند و بر می انگیزاند ، در تشکیلات فردی که از خود شوق انجام کاری را نشان می داد و اگر آن کار را به او واگذار می شد خوب آن را انجام می داد گفته می شد با انگیزه است

این مسئله هم در مورد افراد تشکیلاتی مصداق داشت و هم در مورد هواداران ، مثلاً اگر یک فرد بیرون تشکیلات از مواضع تشکیلات حمایت کرده ، نشریات و اعلامیه ها را می خواند ، کمک مالی و غیره کرده و تمایل برای کار تشکیلاتی نشان می داد می گفتند با انگیزه است

نقطه مقابل آن بی انگیزی بود ، انگیزه اصطلاحی است که عمدتاً درون تشکیلات سازمان در مواردی به کار می رفت که بیان کننده بار ارزشی مثبتی است و وقتی به شکل منفی " بی انگیزه " به کار می رود نوعی دشنام محسوب می شود .

انگیزاننده

حرکتی که ایجاد انگیزه کند ، محرک به سوی اهداف و خواسته های تشکیلات .

ایدئولوژی ناب توحیدی :

یکی از دعاوی تشکیلات بود که خود را صاحب ایدئولوژی ناب توحیدی و اسلام ناب توحیدی می دانست ، این ادعا بیانگر دیدگاه دگماتیستی و غیر قابل نقد بودن نظرات سازمان می باشد و مطلق اندیشی و مطلق گرایی ذهنی مجاهدین را می رساند .

یدئولوژیکمان :

منطبق بر ایدئولوژی ، کار توأم با عقیده و ایدئولوژی تشکیلات .
کاری را با نیت و قصد ایدئولوژیک و خالص برای مبانی فکری و به طرز خاص عقیدتی انجام دادن .

ایذایی / عملیات ایذایی :

ایذا به معنی اذیت و آزار کردن است ، بعد از ۳۰ خرداد سال ۶۰ و شروع عملیات تخریبی و تروریستی مجاهدین ، نیروهای هوادار این گروه یک سری کارها را موسوم به عملیات ایذایی انجام می دادند .
این کارها عبارت بودند از : ریختن چسب داخل قفل مغازه ها، تلفن های تهدید آمیز به منازل و محل کار افراد و کارهایی شبیه اینها .

ایزولاسیون / ایزوله :

پرت شدن ، رانده شده ، کنار زده شده از یک محیط (صحنه سیاسی _ تشکیلاتی) ، به عنوان مثال این اصطلاح این طور به کار برده می شود که بایستی با ایجاد مواضع و انجام حرکات مختلف (سیاسی _ نظامی) جریان های منحرف و غیر متریقی را از صحنه سیاسی جامعه کنار زده و آنها را ایزوله نماییم .

این اصطلاح بعد از سال ۶۰ و فرار اعضاء به خارج از کشور تجزیه شد : ابتدا ایزوله به معنی منزوی شده و سپس طرد و " کات اوت " .

برای تفصیل بیشتر -----> کات اوت .

تاریخ: ۱۳۸۲/۰۹/۲۲

ب

بار برداشتن :

احساس مسئولیت کردن ، کار بیشتری را به عهده گرفتن و برداشتن موانع از مقابل حرکت تشکیلات را می گویند .

بارقه مریم :

از اصطلاحاتی که برای نشان دادن ابهت و جذبه مریم قجر عضدانلو پس از انقلاب ایدئولوژیک به کار می رود و به مفهوم این است که هدایت گری توسط مریم حتی با "بارقه نگاه" و راه نشان دادن از این طریق نیز صورت می گیرد و مانند نوری در تاریکی راه را نشان می دهد .

بار نبودن :

معادل و مخفف "سرباز نبودن" ، مشکلی برای تشکیلات ایجاد نکردن و نوعی حرکت و کار که موجب ایجاد مشکل برای سازمان نشود .

بازتاب : -----> انعکاس .

بازده :

راندمان ، نتیجه کار .

باز و کیوتر :

این اصطلاح در مورد دو جناح در یک جریان یا سیستم که یکی برخوردش تهاجمی و دیگری ملایم است به کار برده می شود ، مثلاً در تحلیل های سیاسی گفته می شد حکومت در آمریکا دارای دو جناح است : جناح بازها (پنتاگون‌نیست ها و جمهوری خواهان) که معتقد به خشونت و سرکوب هستند و جناح کبوترها (دمکرات ها) که معتقد به نرمش و حقوق بشر هستند .

بازوی استوار :

اصطلاحی است که در توصیف ارتش آزادیبخش به کار می رود و عمدتاً آن را به عنوان بازوی استوار مردم ایران تبلیغ می کنند .

بالا آوردن :

مترادف " استفراغ " در زبان عامه ، و در سازمان به معنی اعتراف کردن و مجبور شدن به علنی کردن دورنمایه های پنهانی .

بالا / از بالا به پایین / از پایین به بالا :

منظور از بالا رده ها و مسئولان بالای تشکیلاتی می باشد که امری نسبی است ، پایین نیز رده های پایین تشکیلات است که این هم امری نسبی است ، مثلاً گفته می شد : خطوط (سیاسی ، ایدئولوژی ، امنیتی ، تشکیلاتی) از بالا به پایین منتقل می شود ، یعنی بالا (مرکزیت) تحلیل می کند و خطوط را مشخص کرده برای اجرا به پایین می دهد . یا کارهای اجرایی به وسیله پایین صورت گرفته و نتیجه آن به بالا گزارش می شود تا بالا تحلیل جدید و خطوط جدید بدهد ، این عمل دو طرفه و مرتب صورت می گیرد و متقابلاً وجود دارد .

بالا کشیدن :

از فرمانده دسته بالاتر رفتن ، کلاً در مورد افرادی به کار می رود که مدارج ترقی در تشکیلات را طی کرده و به رده های بالا صعود می کنند .

بال سیاسی / بال نظامی :

مجاهدین پس از شکستهای مکرر در مقطع فاز نظامی دهه ۱۳۶۰ استراتژی کلی خود را به پرنده ای تشبیه کردند که دارای دو بال است که یکی را بال سیاسی (حرکت های به اصطلاح سیاسی و موسوم به دیپلماسی انقلابی) و دیگری را بال نظامی (اقدامات ارتش آزادیبخش) نامیدند ، این تعبیر نخستین بار توسط مسعود رجوی بیان گردید .

بالنده :

در حال رشد و نمو ، سازمان در مورد مجموعه افرادی که در حال رشد تشکیلاتی (پذیرش آموزش های ایدئولوژی ، سیاسی ، تشکیلاتی و انجام کارها به نحو احسن) بودند می گفتند ، اینها نیروی بالنده هستند . همچنین گفته می شد که بر اثر برخورد ها و موضع گیری و افشاگری بیشتر نیروهای درون جامعه که قابلیت رشد دارند (بالنده هستند) به سمت ما می آیند که منظور از قابلیت رشد همان جلب شدن به سمت تشکیلات و در انتها تشکیلاتی شدن است ، قبلاً از واژه " متکامل " و عناصری که در جامعه تکامل گام بر می دارند استفاده می شد .

بالندگی مجاهدین :

رشد و ارتقای سازمان ، به تعبیری توفیق ادعایی سازمان در طی مراتب استراتژیک و مراحل تاکتیکی .

باند تبهکار :

باند تبهکار به شاخه ای از چریک های فدایی اقلیت به سرکردگی " حسین زهری " اطلاق می شد که درگیری هایی را با سازمان در شهر پاریس و یک نوبت در " روستای اور سور اواز " (Auvers sur oise) در حومه پاریس محل استقرار رجوی از سال ۶۰ تا ۶۵ داشته اند .

بای دادن :

اطلاعاتی را نادانسته و از روی غفلت دادن که موجب لو رفتن کاری و یا خراب شدن موضوعی می شود .

بایکوت (کردن) :

تحویل نگرفتن ، تحریم ، کسی یا جریانی را در موضعی بیندازند یا معرفی کنند که از رابطه داشتن با جامعه و دیگران محروم شود این اصطلاح بیشتر در زمان شاه و در زندان مصطلح بود . وقتی فردی در زندان به نحوی مورد کینه و خشم مجاهدین قرار می گرفت به تمامی افراد و عناصر تشکیلات در درون زندان دستور داده می شد که وی را بایکوت کنند و با او صحبت نکنند ، این گونه برخوردها با عناصر مذهبی و مسلمان که مواضع سازمان را نمی پذیرفتند با شدت و حدت بیشتری اعمال می شد .

از نظر مارکسیست ها که در واقع بانی این تاکتیک می باشند ، بایکوت کردن _ بسته به این که این شکل مبارزه علیه چه کسی و به چه منظوری صورت می گیرد و به منافع چه کسی خدمت می کند _ می تواند مترقی یا ارتجاعی باشد .

این واژه در اصل نام افسری بوده است که در اختلافات بین انگلستان و ایرلند بر سر استقلال ملی ایرلند از راه تحریم کالاها و افراد در مبارزه ملی شرکت جست و مبتکر شیوه ای شد که بعدها به نام او معروف شد .

بیر کاغذی :

اصطلاحی که در مورد امپریالیسم به کار برده می شد ، می گفتند امپریالیسم ظاهرش قدرتمند و شکست ناپذیر جلوه می کند ولی در باطن شکست ناپذیر و نابود شدنی است و مانند بیری است که روی کاغذ دیده می شود ، البته این صفت را اولین بار مائو به امپریالیسم اطلاق کرده است .

بحث دوران :

یکی از نشست های رجوی که به این عنوان شناخته شد که عمدتاً به موضوع "جنسیت" و نگرش به زن از "دیدگاه جنسی" می گویند .

بختک :

کسی که پس از گذراندن دوران سخت مبارزه و احیاناً زندان جذب زندگی عادی شده است ، وجود چنین افرادی موجب بی انگیزگی و عدم تحرک دیگران می شود و باعث می شود که دیگران با مشاهده "بختک" وارد گود مبارزه نشوند .

بخش عارفی :

بخشی از سازمان که ارتباط با مسئولان و نظامیان عراق را به عهده دارد و مدتها عباس داوری مسئول آن بوده است .

نیز <----- عارفی .

بخش عزیم :

بخش اعزام در سازمان ، که به خصوص در مقطع سال های ۶۴ _ ۱۳۶۱ که فرار از کشور برای افراد تشکیلات عمومی شد ، مطرح بود .

براندازی ستابان :

با وجود عدم موفقیت قطعی سازمان در هفتم تیر ۱۳۶۰ مجاهدین هنوز چیزی از دست نداده بودند و چشم انداز سرنگونی را کاملاً کوتاه مدت و حداکثر طی چند ماه می دیدند ، از این رو با تمام توان تشکیلاتی نظامی و سیاسی خود سلسله عملیات خود را دنبال نمودند .

در این مقطع سازمان سه حرکت عمده را در پیش گرفت تا به اصطلاح ظرف چند ماه موفق به براندازی نظام شوند ، این حرکتها عبارت بودند از :

۱_ عملیات بزرگ . ۲_ تشکیل شورای ملی مقاومت . ۳_ تظاهرات مسلحانه . **برای آگاهی بیشتر <----- همین عناوین .**

بدهکار بودن :

خود را مدیون تشکیلات دانستن و در قبال آن ذلیل شمردن ، همه افراد بایستی خود را مدیون و " بدهکار " تشکیلات و سازمان و رهبری آن بدانند .

برادر :

اصطلاحی که به مسئول مرد و گاهی اختصاصاً به مسعود رجوی اطلاق می شود ، کاربرد اصطلاح " برادر " بدون پسوند نام خاص صرفاً به رجوی اطلاق می شود ، به عنوان مثال پیام برادر ، دیدار برادر ، نشست برادر و..... منظور رجوی است .

تاریخ: ۱۳۸۲/۰۹/۲۳

براندازی ضربه ای :

پس از اعلام جنگ مسلحانه و آغاز فاز نظامی ، سازمان بزرگترین برگ برنده خود را به صحنه آورد ، تحلیل این بود که رژیم هیچ گونه پایگاه اجتماعی ندارد و تنها به مهره ها وابسته است ، که در صدر آنها آیت الله بهشتی قرار دارد . از این رو در نخستین یک شنبه زمان تشکیل جلسات هفتگی حزب پس از ۳۰ خرداد در شبانگاه هفتم تیر ۱۳۶۰ اقدام به انفجار بمب در محل دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی نمودند .

این عملیات که در سخنان تلویحی رجوی از آن به عملیات " الله اکبر " یاد شده در فرهنگ درونی سازمان " براندازی ضربه ای " نام گرفت ، از یکی از اعضای سابق گروه که گویا در جلسه مرکزیت حضور داشته نقل شده که وقتی رجوی تصمیم انفجار حزب را در جلسه مطرح کرد سایرین از او خواستند که این عمل را یک هفته به تعویق بیندازد تا آنها بتوانند تیمهای ویژه عملیاتی سازمان را برای تصرف مراکز مهم کشور مثل صدا و سیما و آماده کنند .

ولی رجوی اظهار می داد که اصلاً نیازی به دخالت تیم های عملیاتی نیست ، چرا که ضربه آن قدر بزرگ و قوی است که رژیم را خود به خود از پای در خواهد آورد .

برتری طلب / برتری طلبی :

خصوصیتی در فرد یا جریان که به واسطه آن در پی اشغال موضعی بالاتر از صلاحیت و توان خود باشد ، یا وقتی فرد یا جریان در یک موضع تشکیلاتی یا اجتماعی خود را از هم رده هایش بالاتر و برتر حساب کرده و مدعی رده و مسئولیت بالاتری باشد به او برتری طلب گفته می شود و به این ویژگی برتری طلبی می گویند .

برخورد :

رویارویی و مقابله با هر مسئله ، مثلاً هر فرد بایستی با مسائل و مشکلات حیطة مسئولیت خود برخورد کرده آنها را حل نماید .

تحت برخورد :

مسئله دار شدن فرد و برخورد کردن تشکیلات با وی .

برخورد از موضع بالا :

برخورد از موضع بالای تشکیلاتی مثلاً برای پذیرش یک مسئله یا قبولاندن یک مسئله به یک فرد یا جریان سیاسی دست بالا گرفتن و وی را تضعیف کردن (پنداشتن و نشان دادن) .

مجاهدین همیشه در برخورد با سایر گروهکها این طور بودند و به اصطلاح به آنها امتیاز نمی دادند تا بتوانند همواره سوار آنها باشند ، یا در تشکیلات خود وقتی یک فرد پا را فراتر از حد خود می گذاشت وی را می کوبیدند و از موضع بالا با وی برخورد کرده به اصطلاح او را سر جایش می نشانند .

برخورد از موضع پایین :

برخورد پایین تر از حد معمول ، مثلاً اگر فردی در بحث های کنار خیابانی (قبل از خرداد سال ۶۰) کوتاه می آمد و محکوم می شد می گفتند از موضع پایین برخورد کرده و نباید این طور باشد .

برخورد فردی :

برخوردی که فرد بدون رعایت اصول تشکیلاتی و مصالح آن و خارج از چارچوب تشکیلات انجام داده باشد ، مثلاً اگر در یک کار فردی بدون این که مسئولش انجام آن کار را به وی واگذار کرده باشد دخالت کند می گویند برخورد فردی کرده . یا اگر مثلاً به جای گزارش کردن یک مسئله به تشکیلات خودش با آن برخورد کند می گویند برخورد فردی کرده است و یا به شیوه خودش نه به شیوه سازمان به انجام کاری یا رفع مشکلی اقدام کند می گویند با موضوع برخورد فردی کرده است .

برخورد روشنفکرانه :

شعار دادن و عمل نکردن ، در نظر نگرفتن شرایط و مشکلات و فقط شعار دادن ، نوعی دشنام درون تشکیلاتی محسوب می شود ، افرادی را که عموماً اهل حرف زدن و عمل نکردن هستند روشنفکر می گویند .

برخورد فیزیکی :

فشار آوردن به یک فرد بدون در نظر گرفتن توان وی ، برخورد صریح و علنی و توأم با تحکم و گاه ضرب و شتم را می گویند .

برخورد سطحی :

برخورد بدون در نظر گرفتن عمق مسئله ، مثلاً کسی فقر مالی داشته باشد و ما بدون در نظر گرفتن این مسئله و کشف آن به وی فشار بیاوریم که کار کند .

برخورد عمقی :

مقابل برخورد سطحی ، برخورد با در نظر گرفتن عمق مسأله .

برخورد ایدئولوژیک :

برخورد بر اساس مواضع ایدئولوژیک .

برخورد سیاسی :

برخورد بر اساس مواضع سیاسی ، به عنوان مثال هر گاه مجاهدین به بحث های ایدئولوژیک دعوت می شدند ، مسئله آزادی ها را مطرح می کردند و به اصطلاح با طرح این مسئله سیاسی از زیر بار برخورد ایدئولوژیک طفره می رفتند که به این نوع برخورد ، برخورد سیاسی گفته می شد .

برخورد تشکیلاتی :

خود فرمان می دهد ، تحت مسئول باید اطاعت کند و با این مسئله برخورد تشکیلاتی کند .

برخورد جمعی :

هر گاه افراد یک جمع (تشکیلات) در قبال یک موضوع موضع گیری واحد داشته باشند می گویند برخورد جمعی شده است .

برخورد محفلی :

مقابل برخورد تشکیلاتی ، برخورد غیر تشکیلاتی و جدا بودن از موازین تشکیلات .

برخورد فعال (اکتیو) :

با یک موضوع یا کار برخورد جدی و فعال کردن .

برخورد منفعل (پاسیو) :

با یک کار یا موضوع برخورد بی تفاوت داشتن یا برخورد نکردن و یا از موضع پایین برخورد کردن ، هر گونه برخورد غیر تهاجمی را نیز می گویند .

برخورد موضعی :

یعنی برخوردی که در یک موضع خاص زمانی یا مکانی صورت می گیرد ، به معنی برخورد موقتی هم هست ، مثلاً در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مجاهدین خود را " فرزندان مجاهد امام " می دانستند ، که به این نوع برخوردها برخورد موضعی و مقطعی اطلاق می شد .

برخورد مسئولانه :

برخوردی که فرد در آن احساس مسئولیت می کند و خود را مستقیماً و مشخصاً مسئول مستقیم انجام آن کار می داند و تحت هیچ عنوان و بهانه ای از زیر کاری که پیش آمده شانه خالی نمی کند .

برخورد لیبرالی :

معمولاً به برخوردی گفته می شد که از روی راحت طلبی بود و بر مبنای ولنگاری فردی صورت می گرفت و در چارچوب تشکیلات نبود .

توان برخورد :

قدرت و ظرفیت و توانایی برخورد مورد نظر تشکیلات را داشتن .

برخورد از بیرون :

برخورد از بیرون تشکیلات و در بیرون تشکیلات ، خارج از ضوابط و موازین تشکیلاتی و یا برخورد فردی که از تشکیلات چیزی نمی داند و صرفاً از بیرون (خارج از تشکیلات) به تشکیلات می نگرد .

برخورد از درون :

برخورد در درون تشکیلات ، برخورد با در نظر گرفتن موازین و معیارهای تشکیلاتی .

برنامه ریزی :

هر فرد بایستی برای انجام کاری که به او واگذار می شد کلیه مراحل انجام آن را در نظر می گرفت ، نحوه استفاده از امکانات و افراد و وظایف هر فرد را در انجام آن کار مشخص می کرد و مراحل مختلف کار را نیز تعیین می نمود ، به این کارها که قبل از پرداختن و یا در جریان کار انجام می گرفت برنامه ریزی می گفتند .

بریده / بریدگی / بریدن :

در تشکیلات وقتی کسی اصول اعتقادی (ایدئولوژی ، سیاسی _ تشکیلاتی) آنها را قبول نداشت ، کم کم یا یکباره اشکالهایی را مطرح می کرد و وقتی جوابهای تشکیلاتی وی را قانع نمی کرد به او بریده می گفتند . زیرا که وی طبیعتاً از آنها می برید و رابطه اش را با آنان قطع می نمود ، غرض از لفظ بریده در تشکیلات این بود که بگویند وی از اعتقادات خود و مبارزه بریده و به زندگی و سازش با دشمن روی آورده و توان و کشش برای ادامه مبارزه ندارد . عضو یا هوادار بریده _ به زعم خود تشکیلات _ یعنی کسی که کشش کافی برای ماندن در تشکیلات ندارد و دچار گیر و پیچ ذهنی با تشکیلات شده است ، مجاهدین پس از فرار از ایران در سالهای ۶۱ _ ۱۳۶۰ بنا به وضعیت و موقعیت خویش نحوه برخوردشان با بریده ها یک دست نبوده است .

در مواردی ابتدا با مماشات برخورد شده و حتی وسایل و مقدمات خروج او را نیز فراهم می کردند ، این برخورد مربوط به زمانی است که آنها سیطره نظامی و فیزیکی روی اعضا نداشتند ، (مثلاً اعضا در اروپا زندگی می کردند و مثل عراق حالت اردوگاهی نداشتند) .

ولی بعدها اعلام کردند که هر کس می خواهد بماند باید تا آخر با سازمان باشد و هر کس برود (حتی اگر قصدش تدارک یک زندگی خصوصی باشد نه مخالفت سیاسی) "کوفی" و " خائن " محسوب می شود . در همه موارد نیز بنا به دیدگاه سازمان علت بریدگی افراد از تشکیلات در درون خودشان می باشد و هیچ نقصی به تشکیلات بر نمی گردد .

بسیج عمومی / بسیج نیرو :

قبل از ۳۰ خرداد سال ۶۰ و شروع جنایات تروریستی برای برگزاری یک میتینگ یا سخنرانی یا راهپیمایی ، تمام یا بخشی از نیروهای تشکیلاتی و هواداران غیر تشکیلاتی را جمع آوری و سازماندهی می کردند و به آنها آماده باش می دادند و برای برگزاری میتینگ به هر کدام از آنان کاری واگذار می کردند . و به عبارت دیگر با بسیج نیروها و آماده نگه داشتن آنها موفق به انجام کارها می شدند ، بعد از ۳۰ خرداد ۶۰ نیز در اروپا هر ساله برای جمع آوری کمک های مالی یا کارهای سیاسی چند نوبت اعلام بسیج عمومی می شود ، همچنین برای اعزام افراد به عراق نیز بسیج نیرویی مداوماً و به دفعات اعلام می شود .

بستر

معنای عام آن (زمینه) است و در سازمان به " محیط " اطلاق می شود .

بقایای رژیم :

از نظر سازمان نظام جمهوری اسلامی پس از فاز نظامی و ترورهای وسیع آن گروه نابود شده تلقی می شود و تنها نیمه جان و پس مانده ای از آن باقی است که به بقایای رژیم تعبیر می شود .

بصیری :

به بی سیم های گیرنده ای که پس از شروع عملیات تروریستی مورد استفاده تشکیلات در اکثر خانه های تیمی بود اطلاق می شد ، این بی سیم ها با تغییرات جزئی رادیوهای با موج FM ساخته می شد و به وسیله آن پیامهای نیروهای انتظامی مورد استراق سمع قرار می گرفت

بنگال :

این اصطلاح در عراق به معنی اتاق های سیار و کانتینر است ، در اروپا هم به کانتینرهای داخل (اور) بنگال گفته می شود .

بورژوازی :

از نظر مارکسیسم در فرماسیون اجتماعی _ اقتصادی سرمایه داری دو طبقه اساسی وجود دارد : پرولتاریا و بورژوازی ، که بورژوازی عبارت است از طبقه سرمایه داران ، یعنی کسانی که وسایل اساسی تولید مثل کارخانه ها و فابریک ها ، بانک ها ، وسایل حمل و نقل و توزیع و را در اختیار دارند و از استثمار کار دیگران زندگی می کنند .

بورژوازی یا طبقه سرمایه دار بر حسب اینکه سرمایه خود را در کدام رشته به کار انداخته باشد ، به بورژوازی صنعتی (کار فرمایان) ، بورژوازی بازرگانی (تجار بزرگ) ، بورژوازی بانکی (بانک داران) و بورژوازی روستایی (کولاک ها) تقسیم می شود .

منبع در آمد همه آنها ارزش اضافی است که از کار زحمت کشان حاصل می شود ، یک طبقه بندی دیگر بورژوازی از نظر قدرت مالی و نفوذ اقتصادی و سیاسی آن است که از این نظر در جوامع سرمایه داری بورژوازی بزرگ ، بورژوازی متوسط ، بورژوازی کوچک را تشخیص می دهد .

یک طبقه بندی دیگر بورژوازی مربوط است به نقش اقشار مختلف این طبقه در جوامع مستعمره یا وابسته ، از این نظر بین بورژوازی ملی و بورژوازی کمپرادور (وابسته) تفاوت قایل اند .

بورژوازی ملی که بر تولید داخلی متکی است ، منافعش با انحصارات بیگانه اغلب در تضاد است و به همین جهت حاضر است تا مرحله معینی در نهضت آزادیبخش شرکت جوید ، اما بورژوازی کمپرادور ، آلت و عامل سیاست امپریالیستی ، دشمن استقلال ملی و نهضت های آزادیبخش است .

{ روحیه } بورژوازی داشتن :

ویژگی های لیبرالی در برخورد های سیاسی از خود نشان دادن ، عمدتاً به تن پروری و پول دوستی و حاضر نبودن بعضی افراد جهت فدای همه بود و نبودشان برای سازمان اطلاق می شود .

بور شدن :

خواری و خفت فرد از نظر تشکیلات ، خوار و خفیف شدن ، باختن و کنف شدن هم معنی می دهد . این اصطلاح که در میان عوام نیز شایع است و معادل " خیط شدن " است توسط رجوی در مورد نظام جمهوری اسلامی به کار می رفت .

وقتی می خواستند ادعا کنند که نظام در برابر تاکتیک ها و حرکت های مجاهدین غافلگیر شده و علاوه بر آن روند پیش آمده خلاف انتظار اوست ، این اصطلاح را به کار می بردند .

بولتن :

خبرنامه ، مجموعه ای گردآوری شده به صورت جزوه ای از اخبار گوناگون و مطالب مختلف که به افراد درون تشکیلات جهت مطالعه داده می شد و انواع مختلف داشت : بولتن عملیات ، بولتن روی امواج رادیوها ، بولتن سنجش افکار عمومی ، بولتن اخبار ، بولتن چشم انداز ، بولتن زنان و

ولتن های ویژه جهت کارهای سیاسی عمدتاً ۴ صفحه ای بود و در کشورهای اروپایی و بعضی کشورهای عربی برای پارلمانتاریست ها و عناصر دولتی و تصمیم گیر ارسال و تحویل می شد .

بها / بها دادن / بهای لازم / بهای لازم را پرداختن :

ارزش ، ارزش قائل شدن ، در تشکیلات گفته می شد هر کاری را که فرد بخواهد انجام دهد بایستی به آن ارزش لازم را بدهد و متناسب با آن انرژی گذاشته و نیرو مصرف نماید، همین طور در قبال موضع گیریهای مختلف سیاسی و عملیات نظامی ممکن است عواقب بدی برای تشکیلات به طور موقت ایجاد کند که باید این بها را پرداخت .

یا بهایی است که باید پرداخت شود و این به اصطلاح بهای لازم را پرداختن در قبال عواقب کار بود ، همچنین زیاد ارزش قائل شدن و کم ارزش قائل شدن نسبت به نیرو ، جریان و افشاری از جامعه را نیز کم بها دادن و پر بها دادن به آن ذکر می کردند .

به این نحو / بدین نحو :

این هم تکیه کلامی بود که در صحبت ها به کار می رفت .

به جیب رژیم ریختن :

به نفع جمهوری اسلامی ایران و همسو با آن مستقیم و غیر مستقیم ، موضع گرفتن یا فعالیت کردن .

به تعادل رسیدن :

آمادگی برای ذوب و حل شدن در سازمان ، پس از فرایندی از مسئله دار بودن .

به هم ریختن :

تعادل نداشتن ، موضع خاصی را خارج از حیطه " انتظار " و " توقع " به کسی یا افراد گفتن و باعث به هم ریختن ساختار ذهنی فرد شدن .

به لحاظ :

تکیه کلامی که در صحبتها به کار می رفت ، مثلاً گفته می شد این مسئله به لحاظ سیاسی اهمیت دارد ، یعنی از نظر سیاسی مهم است .

به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران :

عبارت معروف سازمان که توسط رضا رضایی در سرلوحه نخستین اعلامیه تشکیلات (در اعلام موجودیت و نامگذاری سازمان) در زمستان ۱۳۵۰ به کار رفت و از آن پس متداول شد ، از مظاهر تغییر ایدئولوژی در سازمان ، اعلامیه ای بود که به مناسبت ترور سرتیپ زندی پور صادر شد و این عبارت را از صدر آن حذف کرده بودند .

بیانیه

نوشته ای است که بیانگر یک موضوع مهم یا در بعضی موارد اعلام مواضع سیاسی ، ایدئولوژی و تشکیلاتی فرد یا جریانی باشد .

بیانیه اعلام مواضع :

عنوان مخفف بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران ، نوشته تقی شهرام در شهریور ماه ۱۳۵۴ مبنی بر مارکسیست شدن مرکزیت و بخش عمده ای از کادرها و اعضای سازمان . این بیانیه پس از ترور ناجوانمردانه مجید شریف واقفی (موفق) و مرتضی صدمیه لباف (ناموفق) و افشای این ماجرا پس از دستگیری وحید افراخته و محسن خاموشی (عاملان ترور) انتشار یافت و در آن با وقاحت تمام از این جنایت دفاع شد .

انتشار این بیانیه عکس العمل وسیعی در جوامع مذهبی _ سیاسی داخل و خارج کشور به دنبال داشت که یکی از آثارش قطع کمک های روحانیون و نیروهای مردمی به این جریان بود .

بی آینده :

سردمداران مجاهدین در جمع بندی یک ساله حرکت تروریستی ، یکی از دلایل انجام جنایت بمب گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی را بی آینده کردن رژیم ذکر می کنند و منظورشان این است که با این ضربه نظام جمهوری اسلامی نمی تواند در آینده ضایعات را جبران نمایند .

تقریباً این واژه معادل کلمه " ابتر " در سوره کوثر است که کفار قریش به سبب این که پیامبر فرزند ذکور نداشتند ایشان را " ابتر " (مقطوع النسل) می خواندند .

بی طبقه / بی طبقه توحیدی / جامعه بی طبقه توحیدی :

جامعه ایده آل مارکسیست ها (البته در ادعا) بی طبقه است ، با توجه به تحلیل طبقاتی که آنان از جامعه دارند و همواره قبل از رسیدن به جامعه بی طبقه تضاد بین طبقات مختلف را تضاد اقتصادی می دانند ، مدعی می شوند در صورت برابری اقتصادی صلح واقعی در جامعه برقرار خواهد شد

در تشکیلات نیز بنا بر همین اصول جامعه ایده آل جامعه بی طبقه تلقی می شد ولی ناگزیر از سوالات هواداران و جلوگیری از رسوایی کلمه توحیدی هم به آن افزوده می شد و این توجیه نیز ذکر می گردید که ما هم همان جامعه بی طبقه توحیدی را می خواهیم ولی نه با محتوای مارکسیستی بلکه با محتوای توحیدی .

بی غیر شدن :

بی تفاوت بودن ، برای این که بی تفاوتی و رخوت را به عنوان یک گناه و جرم سنگین عنوان نمایند از واژه فحش گونه " بی غیرتی " _ که در میان عوام مطرح داست _ بهره می گیرند .

بیان :

بیشتر مفهوم " اندازه و میزان کار انجام شده و واحد بندی کار مربوط در گزارش " را دارد ، در سازمان هر فردی یا جمع تحت مسئولیت خود را موظف می نمود که به طور هفتگی ، چگونگی اندازه کار انجام شده را در جدولی ترسیم نموده تحویل دهد که این جدول را بیان می گفتند .

این کار را معمولاً سمپات ها انجام می دادند چرا که افراد مخفی در خانه های تیمی چگونگی وقت گذرانی شان حدوداً مشخص بود ، ولی جمع های تشکیلاتی نیز گاهی اوقات می بایست بیان می نوشتند .

فرد مسئول از طریق مطالعه روی بیان های مزبور و تحلیل کردن آن با در آوردن سؤال و با فرد تحت مسئولیتش برخورد می نمود و از این طریق وی را کنترل می کرد ، هدف بیان کنترل فرد بود و فرد غیر تشکیلاتی را موظف می نمود که صادقانه چگونگی تلف کردن اوقاتش را بنویسد .

نکته اینجاست که وقتی در کنار این درخواست شیوه های خشونت بار و سرکوب گرانه انتقادی قرار گیرد ، معلوم نیست که بتوان انتظار برخورد صادقانه داشت .

بیمارستان :

اصطلاحی که به جای " زندان " به کار برده می شد ، مثلاً وقتی فرد دستگیر و به زندان منتقل می شد می گفتند به بیمارستان رفته یا وی را به بیمارستان برده اند ، این اصطلاح بیشتر در سطوح تشکیلات رایج بود .

در گزارش دهی افراد در داخل کشور موظف به استفاده از استعاره بودند ، هنگامی که فرد دستگیر می شد فرد همراه اظهار می داشت مریض است یا به بیمارستان رفته است.

بی مسئله :

در تشکیلات به افرادی که بی چون و چرا تن به کار می دادند و ایراد و اشکالی نسبت به مواضع و عملکردهای سازمان نداشتند یا مطرح نمی کردند و بروز نمی دادند و در تشکیلات ذوب شده بودند ، فرد بی مسئله گفته می شد .

خانه فلانی بی مسئله است ، یعنی از نظر امنیتی و مشکلی ندارد و قابل بهره برداری و سکونت است .

بینات مریم :

یا " بینه های مریم " تعبیری که برای پیوستن اسرای ایرانی در عراق به سازمان به کار می رفت ، عموماً به نیروهای جدید ورود و تازه به سازمان پیوسته که دارای راندمان کاری بالا می باشند اطلاق می گردد .

تاریخ: ۱۳۸۲/۰۹/۲۶



پاتوق :

جایی که هر روز در وقتی معین عده ای در آنجا جمع شوند ، بعد از شروع عملیات تروریستی بعضی از قسمت های تشکیلات مغازه ای یا دکه ای تحت پوشش یک کار (مثلاً الکتریکی ، رنگ فروشی ، میوه فروشی و) ایجاد می کردند و در آنجا می ماندند ، این گونه جاها را پاتوق می گفتند و قرارها و نشستهای تشکیلاتی را در آنجا برگزار می کردند ، یا گزارشات جنایات خود را در آن محل تنظیم می کردند و به تشکیلات می دادند .

البته این کارها دور از انظار مردم در پستو یا بالکن محل های مزبور صورت می گرفت ، پاتوق ها جهت ظاهر سازی و عادی سازی به کار علنی می پرداختند ، مثلاً پاتوقی که با پوشش میوه فروشی دایر می شد ، عملاً به مشتری ها که مراجعه می کردند میوه می فروخت .

پاتوق ها درست مثل هر مرکز توطئه یا خانه تیمی ضوابط خاصی داشت که همه افراد در ارتباط با آن ملزم به رعایت آنها بودند و حتی مسئول خاصی هم برای رسیدگی به وضعیت آنجا در نظر گرفته می شد .

پارامتر :

مشخصه ای که انجام کار یا وقوع یک حادثه بستگی به تحقق آن دارد ، در انجام یک کار یا وقوع یک تحول ممکن است چندین پارامتر دخیل باشند ، مثلاً پارامتر فشار هوا و درجه حرارت برای تبخیر آب . در تشکیلات نیز به عوامل مختلف برای پیشبرد کارها پارامتر می گفتند .

پاره وجود شدن :

ذوب شدن در مریم قجر عضدانلو ، به کار گیری اصطلاحات این گونه ای مثل " پاره من " و " پاره وجود " مفهوم وابسته بودن ماهوی افراد به " رهبری " را می رساند و متقابلاً میزان زیاد مایه گذاری و ارزشمند بودن افراد نزد رهبری را می رساند .

پادگان اشرف (ربیعی) :

از مقرهای تعلیماتی _ عملیاتی سازمان در عراق ، محل استقرار ارتش و بدنه اصلی مجاهدین واقع در ۸۰ کیلومتری شمال بغداد ، در منطقه خالص و ۸۰ کیلومتری مرز ایران و عراق .

پاس دادن :

رد کردن ، این اصطلاح وقتی به کار می رفت که یک فرد یا قسمت از پذیرفتن فرد یا کاری شانه خالی می کرد و یا آن کار یا فرد را به قسمت دیگر ارجاع یا به اصطلاح پاس می داد.

پاسداران سیاسی رژیم :

تعبیری است که به جریاناتی مثل نهضت آزادی ، فدائیان خلق و و اشخاص نظیر دکتر یزدی و عزت الله سحابی اطلاق می شود ، بدین معنی که اینان با پذیرش جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن غیر مستقیم در تحکیم نظام کوشش می کند .

پاسدار کشی : <----- زدن سرانگشتان رژیم .

پاسیو :

مقابل اکتیو (فعال) به معنی منفعل و غیر فعال است ، مثلاً این که فرد یا جریانی پاسیو است یعنی منفعل و بی تفاوت و غیر فعال است و در صحنه حضور ندارد ، مثلاً در مورد عبدالرضا نیک بین که از بنیانگذاران تشکیلات بود و در سال ۴۹ از تشکیلات تصفیه شد می گفتند او پاسیو شده بود ، یعنی دیگر دل به کار نمی داد.

پاشنه آشیل :

منظور نقطه یا نقاطی است که فرد یا جریان از آن نقطه یا نقاط آسیب پذیر است ، مثلاً در داستان های افراسیاب را رویین تن مطرح می کنند ولی در عین حال می گویند که تنها ضربه ای که می توانست او را از پای در بیاورد ضربه ای بود که به چشم وی اصابت می کرد ، بنابراین پاشنه آشیل افراسیاب چشم او بود .

همچنین در تشکیلات مطرح می کرد که پاشنه آشیل سازمان پس از تغییر ایدئولوژی که توسط مرکزیت در سال ۵۴ اعلام شد دو چیز است : یکی مرکزیت ، یکی ایدئولوژی ، یعنی همواره از این دو ناحیه می توانند به ما حمله کنند و ما را مورد تهاجم قرار دهند و زیر علامت سؤال ببرند .

پاکیزگی ایدئولوژیکی :

نوعی خلوص نسبت به ایدئولوژی سازمان که محک آن تسلیم محض در برابر ایدئولوژی تشکیلات است .

پانسیون :

مرکزی در بغداد که محل نگهداری کودکان اعضای تشکیلات بوده است .

پایگاه :

به کلیه خانه های تیمی پس از شروع عملیات ترویستی پایگاه می گفتند ، به عنوان نمونه این لغت در گزارشات عملیاتی به این صورت به کار می رفت که واحد عملیاتی بعد از انجام عملیات محرمانه سالم به پایگاه خود بازگشت ، هم اکنون به خانه های تیمی خارج از کشور اطلاق می شود .

پایگاه ازهدی :

از مراکز سازمان در بغداد .

پایگاه اسکان :

یکی از مراکز سازمان در بغداد که افراد متأهل تشکیلات قبل از انقلاب طلاق در آن زندگی می کردند .

پایگاه افشار :

یکی از مقرهای سازمان در " کلن " ، آلمان .

پایگاه اکبری :

یکی از مقرهای سازمان در بغداد .

پایگاه باقرزاده :

یکی از مقرهای سازمان در " کلن " ، آلمان .

پایگاه جلال زاده :

یکی از مراکز سازمان در بغداد .

پایگاه حاتمی :

یکی از مهد کودک های سازمان در " کلن " ، آلمان .

پایگاه ذوالفقاری :

یکی از مقرهای سازمان در بغداد .

پایگاه زائریان :

یکی از مراکز سازمان در فرانسه .

پایگاه سعادت :

یکی از مقرهای سازمان در بغداد .

پایگاه شکری :

یکی از مقرهای سازمان در پاریس که زمانی محل استقرار عناصر شورایی بوده است .

پایگاه طباطبایی :

یکی از مراکز " امداد " سازمان در بغداد .

پایگاه طبقاتی :

در فرهنگ مارکسیست مردم به طبقات اقتصادی مختلف تقسیم می شوند و هر فرد از افراد جامعه با توجه به موقعیت زندگی با سایر مشخصات فردی و اجتماعی اش متعلق به یکی از طبقات و اقشار معرفی می شود .

در تشکیلات نیز از این اصطلاح چنین استفاده می شود : فلانی پایگاه طبقاتی اش کارگری است ، یعنی متعلق به خانواده کارگری است ، یا این که اصلاً خودش کارگر است .

همچنین در مورد جریانات سیاسی و حمایت این جریانات از طبقات مختلف این چنین گفته می شد : که به عنوان مثال " حزب خلق مسلمان " پایگاه طبقاتی اش سرمایه داری وابسته است ، یعنی این حزب در جهت منافع سرمایه داری که وابسته به کشورهای امپریالیستی هستند فعالیت می کند .

پایگاه عطاپور :

یکی از مقرهای سازمان در پاریس .

پایگاه محمدی :

یکی از مراکز سازمان در " کلن " ، آلمان که افراد تازه وارد و اعضای جدا شده بدان تردد دارند .

پایگاه مصباح :

یکی از مقرهای سازمان در عراق .

پایگاه منصوری :

یکی از مقرهای سازمان در بغداد .

پایگاه موسوی :

یکی از مهد کودک های سازمان در " کلن " ، آلمان .

پایگاه میرزایی :

یکی از مقرهای سازمان در بغداد .

پایگاه منبری :

یکی از مراکز سازمان در حومه پاریس ، در حال حاضر تخلیه شده است .

پایگاه نیک حسینی :

یکی از مقرهای سازمان در آلمان .

پایین کشیدن :

تنزل رتبه و رده پیدا کردن .

پتانسیل :

یعنی انرژی ذخیره شده ، در تشکیلات این طور به کار می رفت که جامعه دارای پتانسیل انقلابی بالایی است ، یا فلان فرد باید پتانسیل را آزاد کند . یا اگر ما این شیوه را به کار بگیریم پتانسیل جامعه آزاد می شود ، که در همه موارد نیرو و انرژی متمرکز در فرد و جامعه مد نظر است .

پتانسیل انقلابی :

انرژی ذخیره و بالقوه ای که هنوز در صحنه فعالیت و حرکت های انقلاب ظاهر نشده است ، مجاهدین بر این باورند که وقتی پتانسیل انقلابی مردم فوران کند نظام جمهوری اسلامی سقوط می کند .

پته :

یکی از اصطلاحاتی که به " مدارک درون سازمانی " اطلاق می شد ، عمدتاً به مدارک جاسازی شده قابل نقل و انتقال گفته می شد.

پراتیک :

عمل ، اجرا ، این طور استفاده می شد که ما بایستی در پراتیک اجتماعی خود افکار عمومی را به سمت سازمان بکشانیم ، یعنی افکار عمومی را به نفع خود جلب نماییم .

پراگماتیسم / پراگماتیست :

مصلحت گرایی ، مصلحت گرا ، مکتبی از مکاتب بشری است که هر کاری را که به مصلحت و نفع شخص یا گروه باشد تجویز می نماید ، مثلاً در تشکیلات گفته می شد که ما نباید در کارها پراگماتیستی برخورد نماییم ، یعنی این که نباید صرفاً به منافع خاص سازمان توجه داشته باشیم و بر اساس آن موضع گیری کنیم .

عمدتاً در مقاطعی به کار می رفت که سازمان در حال تغییر رفتار یا تغییر تاکتیک و استراتژی بود و از موضع به ظاهر فرار سازمانی و در واقع " فرار به جلو " در مباحث مطرح می گردید .

پرت شدن :

در مفاهیم دور شدن از موضوع ، در بدنه تشکیلات از مواضع سازمانی فاصله گرفتن .

پرچم / مقاله پرچم / پرچمدار :

لقبی که رجوی در کتاب تحلیل آموزشی بیانیه اپورتونیست های چپ نما مدعی است که شریف واقفی درباره تقی شهرام به کار می برد و خود رجوی نیز به کرات آن را استعمال کرده است .

وجه تسمیه لقب پرچمدار این است که تقی شهرام در آذر ماه ۱۳۵۳ مقاله ای در نشریه داخلی سازمان انتشار داد که به نوعی اعلام درونی تغییر ایدئولوژی بود و عنوانش چنین بود : " پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم . " که به صورت مخفف به مقاله پرچم معروف شده بود .

پرستیژ :

شخصیت ، مثلاً اگر فردی در کاری نزد افراد پایین تر مرتکب اشتباهی می شد به او تذکر داده می شد پرستیژ خود را در مقابل دیگران حفظ کند ، چون دیگر حرفش را نمی خوانند.

پرواز تاریخساز :

رفتن رجوی از پاریس به عراق در سال ۶۵ و همچنین فرار رجوی و بنی صدر از تهران به پاریس را نیز می گویند ، منظور این است که تأثیرات این پرواز و سفر به آن چنان زیاد است که " تاریخ " را ترسیم می کند .

پروسه :

جریان ، روند ، مثلاً گفته می شد که یک فرد در پروسه مبارزه رشد می کند ، یعنی در جریان و روند مبارزه رشد می کند ، یا این که مطرح می شد که پروسه تحول خودتان را در تشکیلات بنویسید ، که منظور این بود که سیر تحول خودتان را بنویسید .

پروسه تشکیلاتی :

فراپند اقدامات و جایگاه و مسئولیت های تشکیلاتی افراد که مجموعه سوابق تشکیلاتی را ایجاد می کند .

:

پرولتاریا

در فرهنگ مارکسیستی به طبقه کارگر مزدبگیر که فاقد وسایل تولید هستند و مجبورند نیروی کار خود را به صاحبان وسایل تولید یعنی سرمایه داران (بورژواها) بفروشند ، پرولتاریای صنعتی یا پرولتاریا می گویند .
به زعم مارکسیست ها و جریان های مشابه و مجاهدین ، پرولتاریا پیگیرترین طبقه انقلابی در جامعه سرمایه داری است و مترقی ترین و رشد یابنده ترین طبقه است برای این که با وسایل مترقی و رشد یافته در ارتباط است .
گروه هایی که سنگ حمایت از پرولتاریا را به سینه می زنند همه خود را نماینده آنان می دانند ولی تجربه نشان داده که حتی توان ایجاد ارتباط با آنها را نیز ندارند ، از این واژه خیلی کم استفاده می شود و بیشتر قبل از انقلاب استفاده می شد .

پریود :

یک دوره زمانی محدود که آغاز و نهایت آن معلوم است ، مقطع زمانی کوتاه .

پل زدن :

ارتباط گرفتن با افراد گروه ها و محل هایی که بعید است ، مثلاً بین ما و رژیم دریای خون است و رژیم می خواهد روی دریای خون پل بزند .

پنجی (پنج / ۵) :

آنتراکت ساعت ۵ در مراسم و نشست ها ، با پذیرایی مختصر . اصولاً در زندان های رژیم شاه زندانیان عصرانه مختصری را که می خوردند تحت عنوان پنجی (ساعت پنجی) می گفتند که بعدها در تشکیلات در خانه های تیمی و پایگاه های سازمان در عراق نیز رعایت و انجام می شد .

پوزیتویسم :

اثبات کردن ، مثبت گرایی ، اثباتی ، گرایی به ماندگاری وضع موجود .

پوسته سازمانی :

منظور هواداران و اعضای ساده سازمان اند ، نوعی محافظ انسانی نیز محسوب می شود .

پوش / پوشی / پوشی ساز :

مکان ، حالت ، صفت و چیزی که در ظاهر چیزی است و در باطن چیز دیگری ، تا حدی مترادف محمل ، در تشکیلات برای لو رفتن مقاصد خود در ظاهر چیزی را مطرح می کردند که با باطن آن فرق داشت و یا این که هدف و مقصود باطنی خود را در چارچوب دیگری بیان می کردند .

مثلاً در چارچوب فعالیت و تشکیل یک شرکت خدمات ساختمانی محلی را اجاره می کردند ، ولی از آن محل برای مرکز فعالیت های توطئه آمیز خود بهره برداری می کند یا برای عادی سازی از یک پدر و مادر پیر در خانه تیمی به عنوان پوش و پوشش آن محل استفاده می کردند ، یا در هنگام ترور با لباس نیروهای انتظامی اقدام می نمودند که گفته می شد که در پوش نیروهای انتظامی ترور انجام شد و

پوشش و محمل باید با شخصیت ، کاراکتر اخلاقی و شرایط زندگی و حرفه فرد متناسب باشد تا برای دیگران طبیعی و واقعی جلوه نماید و از هر نوع ابهام و سوء ظن جلوگیری کند ، پوشش سازی و محمل تراشی غیر طبیعی بیشتر به لو رفتن کمک می کند ، نحوه و شیوه این امر بستگی به ابتکار و تجربه فرد دارد .

پوش موضوع بودن :

تحت الشعاع موضوع قرار گرفتن ، وظیفه پنهان سازی و پوشش دادن به موضوعی را به عهده گرفتن .

پوشال کاری :

کار انبوه و حجیم ولی بیهوده و کم نتیجه انجام دادن .

پویایی :

تحرك و رشد و بروز استعدادها در جریان مبارزه .

پیام آور رهایی :

از القاب مریم قجر عضدانلو به این مفهوم که مریم پیام رهایی افراد از دنیای ذهنی خود و وصل به رهبری را به همه می دهد و خودش سمبل آن و انگیزه دهنده به دیگران است .

پیچ ذهنی :

به لحاظ ذهنی و فکری گیر داشتن ، بدین مفهوم که مقولات ذهنی باید روان و صاف باشد و در صورت مواجه شدن با پیچ ذهنی تعادل خود را از دست می دهد .

پیروزی محتوم :

از وعده های همیشگی و امید بخش رجوی به اعضا و هواداران .

پیش بینی / پیشگیری / رفع ابهام :

این سه اصطلاح به روی هم به عنوان سه عنصر معروف بود که در ارتباط با کارهای اجرایی هر فرد گفته می شد که این سه مسئله را در کارها رعایت نماید ، یعنی ابتدا مراحل کار و نتایج مراحل را پیش بینی کند ، کلیه مراحل و انجام آنها را پیگیری و دنبال نماید و افراد تحت مسئولیت خود را برای انجام کار توجیه نماید و ابهامات آنان را در مورد انجام کارهای محوله رفع نماید .

رفع ابهام :

در مقطع انقلاب ایدئولوژیک سال ۶۳ در عراق تعداد زیادی از عناصر معترض را دستگیر و زندانی نموده تحت عنوان " رفع ابهام " و با این پوشش که ممکن است این افراد نفوذی باشند با آنها برخوردهای بازجویی صورت می گرفت که این جریان را رفع ابهام نامیدند .

پشتاز / عنصر پشتاز :

جلو دهنده ، پیشقدم در کارهای مختلف ، رهبری کننده ، مجاهدین خود را سازمانی پشتاز قلمداد می کردند به این تعبیر که آنان با اتخاذ شیوه های صحیح مبارزه راه را برای حضور مردم در صحنه آماده می کنند .

پشتاز نسل مسعود :

اصطلاحی که در تمجید از اعضای سازمان به کار می رود .

پیشگیری :

به معنی جلوگیری کردن از حادثه قبل از وقوع آن ، مثلاً اگر مورد مشکوکی در رابطه با یک خانه تیمی مشاهده می شد مسئول حفاظت آنجا بایستی از ضربه خوردن و حمله به محل پیشگیری می کرد ، مثلاً آنجا را تخلیه می کرد یا رفت و آمد به آنجا را برای مدتی ممنوع اعلام می کرد .

پیشنهاد / پیشنهادات :

در تشکیلات به هر کسی که اشکال یا نقطه ضعفی در کارها را مطرح می کرد گفته می شد که برای رفع آن پیشنهاد بدهد و اساساً محوری تحت عنوان " انتقادات ، اشکالات و پیشنهادات " در گزارش های اجرایی وجود داشت که تحت عنوان مشخص می بایست ضمن بیان انتقادات کار انجام شده ، پیشنهاد خود را جهت رفع آن بیان می کرد .
در حال حاضر و پس از طی مراحل مختلف انقلاب ایدئولوژی افراد حق پیشنهاد دادن را ندارند و صرفاً باید مجری باشند .

پیک :

فردی که اخبار و مدارک را از یک قسمت به قسمت دیگر منتقل می کند ، در حال حاضر انتقال اسناد و مدارک و بعضی ارتباطات مهم در عراق (بین پایگاه های مختلف) با پیک صورت می گیرد و برای برخی ارتباطات مهم بین عراق و سایر کشورها نیز از همین طریق استفاده می شود .
پیک ها معمولاً پس از شروع عملیات تروریستی از میان افرادی انتخاب می شد که غیر از اعتمادی که نسبت به آنها بود می بایستی رفت و آمدشان در طول مسیر بی اشکال بوده و موجب دستگیری آنان نمی شد و به اصطلاح تیپ و سر و وضعشان شناخته شده یا مشکوک نبود .

پیک شهری :

پیک میان یک شهر و شهر دیگر .

پیک علنی :

مدارک و نشریات کم اهمیت را در شهر یا در بین شهرها یا از مراکز به شهرستان ها حمل می کرد .

پیک مخفی :

مدارک با اهمیت را حمل و نقل می کرد .

پیک امنیتی :

پیک مخصوص قسمت امنیتی هر بخش بود .



تاکتیک

شیوه عمل و برنامه کوتاه مدت که برای رسیدن به هدف دراز مدت به کار گرفته می شود تاکتیک وسیله ای است برای رسیدن به هدف (استراتژی) و همراه آن چنین به کار برده می شد ، ما با تاکتیک های مناسب می توانیم به استراتژی خودمان جامه تحقق ببوشانیم . تاکتیک در واقع جزئی و قسمتی از " استراتژی " و کاملاً تابع آن است ، تاکتیک دوران کوتاهی را درون یک مرحله استراتژیک در بر می گیرد ، هدف های مشخص و نزدیکتر و محدودتر را در نظر دارد .

از آنجا که اوضاع سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی همواره در تغییر است ، تغییر اشکال و شیوه های تاکتیکی نیز اجتناب ناپذیر می نماید .
نیز :<----- استراتژی _ استراتژی و تاکتیک _ شعارهای تاکتیکی _ شعارهای استراتژیکی.

تئوری / تئوریک / کادر تئوریک :

اصول علمی ، علم نظری ، فرضیه ، موضوع علمی ، مثلاً گفته می شد از نظر تئوریک فلان مسئله قابل اثبات نیست ، یا فلان فرد از نظر تئوریک چیزی بارش نیست ، یعنی در این زمینه از نظر علمی چیزی نمی داند .

کادر تئوریک همه به افرادی گفته می شد که به تدوین آموزشهای مختلف سازمانی می پرداختند ، در حال حاضر " کادر تئوریک " معادل و مفهومی در تشکیلات سازمان ندارد و به اصطلاح امور تئوریک در حال حاضر صرفاً در حیطه صلاحیت رجوی قرار دارد .

تبلیغ مسلحانه :

در تبیین مشی مسلحانه در زمان شاه ، مجاهدین و چریک های فدایی ضمن قبول و اتخاذ جنگ چریک شهری به عنوان تاکتیک مرحله ای استراتژی نبرد مسلحانه علیه رژیم قائل بودند ، که مجموعه عملیات گروه های چریکی دست کم تا سه سال حالت تبلیغ مسلحانه خواهد داشت .

با این مشخصات که اولاً موجودیت و حضور گروه های مسلح اعلام و تثبیت می شود و ثانیاً با هر حرکت مسلحانه عده ای به این مشی گرایش پیدا می کنند و ثالثاً جو اختناق شکسته شده و توده مردم آماده پیوستن به چریک ها خواهند شد والبته در عمل هیچ یک از این فرصتها و تئوری ها به وقوع نپیوست و فقط اعضا و کادرهای گروههای مزبور دسته دسته به دام ساواک افتادند ، عده ای در زد و خوردها کشته شدند و عده ای اعدام گشته و یا به زندان های طویل المدت محکوم شدند .

در حال حاضر نیز عملیات های تروریستی که توسط مجاهدین به شکل پرتاب خمپاره یا ترور در مرزها و شهرها صورت می گیرد برای طرح مسئله " عمل مسلحانه " در مقابله با رژیم جمهوری اسلامی ایران صورت می گیرد که نوعی تبلیغ مسلحانه محسوب شده و به اصطلاح جهت و سو دادن به اعتراضات اجتماعی این خط اتخاذ شده است .

تبیین جهان :

تبیین یعنی بیان کردن و توضیح دادن و تبیین جهان یعنی توضیح پیرامون چگونگی و چرایی پدید آمدن هستی ، حرکت آن و هدف از به وجود آمدن و ایجاد آن و سرانجام آن . مجاهدین در سال ۵۹ یکی از بحث های به اصطلاح ایدئولوژی خود را به نام " بحث وجود " تحت عنوان تبیین جهان به طور علنی در دانشگاه صنعتی شریف (آریامهر) آموزش می دادند که ۱۵ جلسه آن برگزار شد ، نوشته های مربوط به این برنامه بعدها در ۱۵ جلد کتاب به همین نام چاپ شد .

تتمه رژیم :

معادل "بقایای رژیم" ، در این خصوص <-----> **بقایای رژیم** .

تثبیت :

ثابت کردن ، پابرجا کردن ، برقرار کردن و پایدار کردن ، این اصطلاح بیشتر از موضع نفی جهت رژیم به کار می رود ، این لفظ در تشکیلات این طور به کار می رفت : تثبیت ایدئولوژیک ، تثبیت سیاسی ، تثبیت تشکیلاتی .

تثبیت ایدئولوژیک :

یعنی این که بحث ها ، موضوعات و خطوط ایدئولوژیک سازمان کاملاً روشن بیان شده و واضح است و حد و مرزهای آن مشخص بوده و عاری از هر گونه انحراف است و در جامعه و در میان نیروها و جریان های مختلف به عنوان یک مجموعه گویا و مستقل شناخته شده است .

تثبیت سیاسی :

یعنی از نظر مواضع سیاسی ، مشخص بودن و مطرح بودن در جامعه ، این که یک جریان از تثبیت سیاسی برخوردار است یعنی در صحنه سیاسی جامعه مطرح است و دیگران وی را به حساب می آورند و مواضع سیاسی اش شناخته شده و جاافتاده است .

تثبیت تشکیلاتی :

یعنی مجموعه افراد ، روابط و ضوابط حاکم بر آنها مشخص است و هر کس که بخواهد وارد آن بشود می داند که چه کار باید بکند ، به علاوه خود مجموعه (تشکیلات) به عنوان یک ارگان شناخته شده و در جامعه وجود دارد و مطرح است .

تحت مسئول :

فردی که در تشکیلات سازماندهی می شود قطعاً زیر نظر فرد دیگری قرار دارد و در اصطلاح گفته می شود که او تحت مسئول فرد دیگری است و از وی فرمان و خط می گیرد .

" تحت مسئول اجرایی " و " تحت مسئول تشکیلاتی " هم به کار برده می شود به این مفهوم که اگر مسئول وی فقط در زمینه کار اجرایی در ارتباط با او باشد تحت مسئول اجرایی اوست ، ولی اگر مسئول وی در زمینه تشکیلاتی مسئولیت وی را به عهده گرفته باشد تحت مسئول تشکیلاتی وی قلمداد می شود .

و در عین حال ممکن است که مسئول اجرایی و تشکیلاتی وی یکی باشد که در این صورت او تحت مسئول آن فرد هم در زمینه کار اجرایی و هم در زمینه مسائل تشکیلاتی می باشد . تحت مسئولیت = زیر دست .

تحت برخورد بودن :

مسئله دار شدن مورد انتقاد قرار گرفتن ، تحت برخورد به فردی می گویند که به دلایل مختلف باید مورد بازخواست قرار گیرد ، این افراد عمدتاً از مسئولیت های تشکیلاتی خود منفک شده مستقلاً مورد بازجویی و سؤال و جواب و بازخواست قرار می گیرند .

ترور انقلابی :

کشتن مخالفان سازمان توسط مجاهدین .

ترور ناجوانمردانه :

کشته شدن اعضای سازمان توسط دیگران .

تحرك / تحرك بالا / تحرك پايين :

حرکت داشتن ، جابجایی ، جابجا شدن ، وقتی فردی از محل استقرار خود (خانه تیمی ، پاتوق ، شرکت پوششی و) برای انجام کاری خارج شده و بعد از انجام کار باز می گردد می گویند وی تحرك داشته است .

مثلاً می گویند امروز دوباره تحرك یا دو بار تردد داشته ایم ، یعنی دو بار از شرکت خارج شده و دوباره به آنجا وارد شدم ، وقتی رفت و آمد یک فرد در شهر زیاد باشد می گویند تحرك وی بالا است و در صورت کم بودن آن می گویند تحركش پایین است .

پس از شروع حرکات تروریستی مسئولین رده بالا موظف بودند تحرك خود را پایین بیاورند و واحدهای تروریستی در صورت تحرك بالا و انجام ترردهای پی در پی در هفته مورد تشویق قرار می گرفتند .

تحليل / تجزيه و تحليل :

برداشت خاص از یک موضوع و طرح گسترده مسائل مربوط به موضوع و توضیحات پیرامون آن .

تحليل سياسي :

برداشت خاص از یک حادثه و واقعه سیاسی ، تحلیل ممکن است مطابق با واقع باشد یا نباشد .

تجزیه و تحليل :

تجزیه مرحله قبل از تحلیل است ، یعنی در نظر گرفتن جزئیات مسئله و بررسی آن و سپس دریافت و برداشت خاص از آن که منجر به تحلیل می شود .

تجسم ايدئولوژیک :

از تعبیراتی که برای تحلیل و مجیز مسعود رجوی توسط مهدی ابریشمچی به کار رفته است .

تخليه / تخليه اطلاعاتی :

خالی کردن ، بیرون ریختن ، وقتی فرد در موقعیتی قرار داده می شود که اطلاعات خود را به طور کلی بیرون می ریزد به این امر تخلیه اطلاعاتی گفته می شود .

تخليه تلفنی :

تخلیه تلفنی یا جاسوسی تلفنی عبارت است از مصاحبه ای تلفنی ، باز ، غیر مستقیم و پوششی که با شیوه ها و تکنیک هایی چون زیر پاکشی ، استنطاق ، تطمیع ، یک دستی ، تجاهل و غیره اقدام به کسب اطلاعات می کنند .

مجاهدین از سال ۵۹ (در مقطع فاز سیاسی) این شیوه را در ارتباط با ارگان های نظام اعمال می کرده اند و در جریان جاسوسی برای عراق (در جریان جنگ تحمیلی) نیز از این شیوه استفاده می کردند .

تخلیه خصلتی :

وقتی فرد را در موقعیت انفعال و شرم زدگی قرار دهند و او را ملزم سازند که در یک "انتقاد و انتقاد از خود" همه خصوصیات و عادات و خصایل منفی خود را بیرون بریزد و در واقع گزک به دست مسئول بیاید ، می گویند فلانی به لحاظ خصلتی تخلیه شد .

تخلیه خانه :

وقتی خانه تیمی یا اماکن مسکونی دیگری را به خاطر لو رفتن نزد پلیس و یا احتمال آن ، از مدارک و مهمات و سایر اشیاء خالی می کنند به این مرحله از عمل تخلیه خانه می گویند .

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۰۱

تدارکات / Ta:

تهیه کردن ، آماده کردن ، قسمتی در هر بخش از تشکیلات که احتیاجات سایر قسمتها را تأمین می کرد که برای دو نوع از نیازمندی ها هم دو قسمت مجزا وجود داشت ، صنفی و نظامی .

تدارکات صنفی :

قسمتی بود که نیازهایی از قبیل خوراک ، پوشاک ، اثاثیه منزل را برآورده می کرد .

تدارکات نظامی :

بخشی از تشکیلات که نیازهای نظامی و تسلیحاتی مانند اسلحه ، مهمات ، مدارک شناسایی و را تأمین می نمود .

تردد / رفت و آمد :

منظور رفت و آمد به خانه تیمی یا در شهر است ، مثلاً گفته می شد تردد در شرکت زیاد است ، یعنی تعداد و دفعات رفت و آمد افراد به شرکت زیاد است ، یا این که می گفتند میزان و ساعات تردد در شهر باید به حداقل برسد ، یعنی در شهر کمتر باید رفت و آمد بشود .

ترقی خواه :

خواهان ترقی و رشد ، این طور به کار می رفت که مثلاً فلان فرد یا جریان ترقی خواه است ، این صفت را در مورد افرادی مثل لاهیجی ، هزارخانی ، یا گروه جاما و به کار می بردند و منظور این بود که این افراد و جریان ها با ما هماهنگی دارند یا حداقل مخالفتی با ما ندارند .

در سال ۵۹ و در جریان انتخابات مجلس اول تیتر تبلیغات سازمان "کاندیداهای ترقی خواه" بود .

تسلیحات :

منظور سلاح و مهمات است ، هر نوع سلاح گرم (کلت ، تفنگ ، مسلسل) بمب های دستی ، مواد منفجره (دینامیت ، تی ان تی ، کلرات و) فشنگ ، انواع گازهای سمی و را تسلیحات می گفتند .

تشکیلات :

مجموعه افرادی که تحت ضوابط و معیارهای خاصی با یکدیگر کارهای خاص و وظایف مشخصی را برای رسیدن به هدف مشترک خود انجام می دهند .

تشکیلاتی :

یعنی متعلق به تشکیلات ، مثلاً وقتی گفته می شد هوادار تشکیلاتی ، یعنی هواداری که در ارتباط با تشکیلات قرار دارد ، یا مثلاً هر گاه می گفتند فلانی تشکیلاتی نیست ، یعنی اصول و ضوابط تشکیلاتی را رعایت نمی کند .

تشکیلات آهنین :

اصطلاحی که مجاهدین در مورد تشکیلات خود به کار می بردند و منظورشان این بود که روابط تشکیلاتی شان خیلی محکم بوده و افرادشان به اصول خیلی پایبند هستند و همچون فولاد و آهن نظام تشکیلاتی شان نفوذ ناپذیر است .

تشکیلاتی (دفتری) :

در نهاد دانش آموزی به قسمت تشکیلاتی دفتری گفته می شد .

تصادف / تصادف کردن / تصادف کرده :

به معنی دستگیر و دستگیر شدن به کار می رفت ، مثلاً گفته می شد فلانی تصادف کرده ، یعنی وی دستگیر شده است .

تصفیه / تصفیه خونین :

وقتی فردی از اصول ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی یک تشکیلات سرباز می زد و برخورد های تشکیلاتی هم قادر به اقناع وی نمی شد ، ابتدا مسئولیت های وی گرفته می شد و اگر باز هم بر نظرات خود پافشاری می کرد از تشکیلات اخراج می شد یا اصطلاحاً تصفیه می شد .

چنانچه روند مخالفت وی ادامه پیدا می کرد تشکیلات احساس خطر کرده وی و احياناً کسان دیگری را که از وی حمایت می کردند به قتل می رساند که این حالت را " تصفیه خونین " می گفتند .

تضاد :

ضد بودن ، مخالف بودن ، ناسازگاری ، دو پدیده (فرد یا جریان و) که با هم ناسازگار باشند و وجود یکی به مفهوم عدم دیگری باشد گفته می شود که این دو با هم در تضاد هستند ، همچنین یکی از اصول دیالکتیکی و اساساً جوهره اصول دیالکتیک تضاد است .

مجاهدین در زمینه تئوری مارکسیستی در این مورد بیشتر از نظرات مائو پیروی می کردند و تحت تأثیر تئوری های وی بودند .

معنی تضاد در حال حاضر مترادف با " مشکل " است و هر مشکلی را تضاد می گویند ، این اصطلاح اکنون به شدت در تشکیلات رایج می باشد ، مثلاً هنگام تعمیر تانک فردی که موفق به باز کردن پیچ مربوطه نمی شود به مسئول خود می گوید تضاد پیچ را نتوانستم حل کنم .

تضاد آنتاگونیستی :

تضاد آشتی ناپذیر و لاینحل ، تضادی که به درگیری و حذف یکی از طرفین می انجامد .

تضاد جنسیت :

مشکل جنسیت داشتن افرادی که زنان را ضعیف تر از مردان می دانند ، ذهنیت داشتن درباره عدم تساوی تاریخی زن و مرد .

در این خصوص <-----> انقلاب ایدئولوژیک .

تضاد حل کردن :

مشکل خاصی را حل کردن ، عبور از مشکلات ، از مسئله یا گیر تشکیلاتی و خصلتی رها شدن .

تضاد حمل کردن :

گیر تشکیلاتی و خصلتی داشتن ، کسی که با مشکلات پیرامون خودش مبارزه می کند و به رغم وجود موانع کند کننده کارها تلاشی جهت رفع آنها نمی کند و به رغم این که در ذهنش کاری را قبول ندارد و در جریان کارها قرار می گیرد و به همین دلیل کارآیی چندانی ندارد .

تضاد دوران :

تعبیری که برای باورهای مرتبط با جنسیت داشتن به کار می رود ، به تعبیری تضاد دوران = جنسیت .

تظاهرات (دمونستراسیون) :

نمایش خیابانی برای نشان دادن موضوعی خاص ، شکلی از مبارزه یا حضور توده مردم یا هواداران یک جریان یا گروه هایی که به وسیله تجمع و راه افتادن در خیابان ها و میدان ها و بیان خواسته ها توسط شعارهای کتبی (پلاکارد) و شفاهی ، نظر خود را بیان می دارند و یا یکی از مطالبات سیاسی خود را مطرح می کنند .

معمولاً حربه تظاهرات هم از سوی گروه ها و جریان ها به کار گرفته می شود و هم از سوی نظامی که با آن مخالفت می شود .

تظاهرات پنج مهر : <-----> تظاهرات مسلحانه پنج مهر .

تظاهرات سی خرداد :

تظاهراتی که مجاهدین در روز ۳۰ خرداد سال ۶۰ در طرفداری و حمایت از بنی صدر به راه انداختند ، طبق دستور مرکزیت سازمان و با طراحی محمد ضابطی عضو مرکزیت و مسئول بخش اجتماعی مجموعه هواداران سازمان به خصوص در نهاد دانش آموزی ، موظف شدند همراه با سلاح های سرد مثل تیغ موکت بری و کارد و دشنه و نیز نمک و فلفل در تظاهراتی که در طول خیابان طالقانی (از شرق به غرب) انجام می گرفت شرکت کنند و موانع حزب الهی را دفع نمایند .

به طوری که از اظهارات برخی از شرکت کنندگان بر می آمده به هواداران گفته بودند که با حضور شما در صحنه طرفداران " میلیونی " بنی صدر به شما می پیوندند و آنگاه به سوی مجلس و صدا و سیما و حرکت می کنیم و مراکز مزبور را به تصرف در می آوریم .

توهم سازمان زمانی به شکست برخورد کرد که خیل نیروهای مردمی از مسیر میدان فردوسی به سمت شمال جمع مجاهدین را ابتدا دچار تشتت کرد و سپس ناگزیر به فرار نمود.

در این ماجرا چندین نفر از مردم به وسیله سلاح های سرد مجاهدین به طرز فجیعی کشته شدند ، مجاهدین شکست ۳۰ خرداد را پیروزی قلمداد نمودند و در طول سالهای بعد سالگرد آن را به عنوان " روز شهدا و اسرا " اعلام کردند .

تظاهرات مسلحانه پنج مهر :

پس از انجام " عملیات بزرگ " (انفجار دفتر حزب جمهوری ، انفجار نخست وزیری و) و فرار رجوی و بنی صدر به پاریس و تشکیل " شورای ملی مقاومت " از اواسط شهریور ۶۰ سازمان عملیات را متوقف کرد و تمام نیروهای خود را برای انجام تظاهرات مسلحانه در سطح تهران بسیج نمود .

هدف از این تظاهرات اجتماعی کردن مبارزه بود ، تحلیل این بود که " علت عدم حمایت مردم ترس از حکومت است و چنانچه ما قدرت سلاح خود را به آنها نشان دهیم ترسشان ریخته و به میدان مبارزه خواهند آمد . "

طی این تظاهرات تیمهای علمياتی مسلح به مسلسل و نارنجک در یک نقطه ظاهر شده و شروع به شعار دادن می کردند و در صورت مقابله مردم با نیروهای مسلح بلافاصله درگیری و تیراندازی را شروع می کردند .

پس از گذشت حدود ۱۵ روز از این نوع تظاهرات سازمان تحلیل کرد که دیگر همه چیز آماده است ، از این رو تدارک یک تظاهرات عظیم مسلحانه را در پنج مهر ماه ۱۳۶۰ دیدند که به زعم آنها منجر به قیام سراسری از نوع ۲۲ بهمن شود .

در این روز سازمان یک بار دیگر تمامی نیروهای خود را جهت قیام سراسری بسیج نمود و همه هواداران را به صحنه کشاند ، در ۵ مهر از سوی نیروهای جمهوری اسلامی و نیروهای مردمی مقابله شدیدی با این تظاهرات صورت گرفت و سازمان بار دیگر شکستی فراموش نشدنی را تجربه کرد .

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۰۲

تعادل / تعادل قوا :

تعادل یعنی برابری و برابر شدن ، تعادل قوا یعنی برابری نیروهای طرفین در زمینه ای (قوای سیاسی یا نظامی) صفر شده است و هر دو طرف به یک میزان برای تصاحب چیزی نیرو وارد کرده اند .

این واژه در تحلیل های مجاهدین پس از ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ مطرح شده بود که " در زمینه سیاسی با رژیم به تعادل قوا رسیده بودیم ولی با حذف بنی صدر مجبور شدیم به کارهای نظامی (تروریستی) روی آوریم . "

ضمناً به دلیل عدم توانایی و ظرفیت برای رسیدن به تعادل با جمهوری اسلامی ایران همیشه مجاهدین نیروهایی را که در این زمینه از سازمان انتقاد کرده ، دعاوی سازمان را به چالش کشیده اند متهم می کند که آنها تفکر تعادل قوایی دارند و ایدئولوژیک فکر نمی کنند .

و نهایتاً پس از همه دعوای به اصطلاح منطقی از اساس تفکر تعادل قوایی را نفی و خود را به ایدئولوژی سنگ قلاب می کنند .

تعرض سیاسی _ استراتژیک :

در روند حرکت های موسوم به " دیپلماسی انقلابی " مجاهدین هرگاه احساس تهاجم سنگین و قوی در پروسه عمل خود می کنند این تعبیر را به کار می برند ، مثلاً اعلام مریم رجوی به عنوان رئیس جمهور منتخب یک تعرض سیاسی _ استراتژیک بود .

نیز -----> دیپلماسی انقلابی .

تعقیب :

دنبال کردن ، از پی چیزی یا کسی رفتن .

تعهد ایدئولوژیک :

پابندی آرمانی به ایدئولوژی سازمان ، یا به عبارتی " تقید شرعی " از منظر مجاهدین.

تقسیم کار :

وقتی در انجام یک کار خاص وظایف گوناگونی وجود داشته باشد هر کدام از این وظایف به یک فرد واگذار می شود ، این واگذار کردن در اصطلاح تقسیم کار گفته می شود و از اساسی ترین مبانی کار تشکیلاتی می باشد و یک مسئول تشکیلاتی می باید در زمینه تقسیم کار بین افراد تحت مسئولیت خویش مهارت و تجربه و علم و آگاهی کافی داشته باشد .

تکامل :

هر موجودی در مسیر حیات خود از حالت سادگی در آمده و به سمت پیچیده شدن می رود ، در این مسیر موجود صفات و خصوصاتی (کمی و کیفی) کسب می کند به طوری که در انتهای مسیر در درجه و پله بالایی نسبت به ابتدای مسیر قرار می گیرد ، البته در طی این مسیر ممکن است چیزی (عضوی) از موجود کم شود این مسیر اصطلاحاً مسیر تکامل و این طی شدن را تکامل می گویند .

هر مکتبی چه مادی و چه الهی ، به تکامل موجودات در عالم معتقد هستند ، منتهی در بیان و قوانین این مسئله فرق های اصولی دارند ، در تعاریف مبتنی بر ایدئولوژی مارکسیستی یا دیدگاه متأثر از فلسفه و جهان بینی مادی و مارکسیستی مبنای تکامل و حرکت در راستا و جهت " سیر تکامل تاریخی " و دوره های تاریخی مورد نظر این جهان بینی است ، (دیالکتیک تاریخی) و به گونه ای است که کارگر از کشاورز متکامل تر و بورژوازی از خرده بورژوازی و فتودالیده متکامل تر هستند .

تکامل (کتاب) :

کتاب دوم ایدئولوژیک سازمان نوشته علی میهن دوست ، در این کتاب به اجمال و اختصار اصل تکامل داروینی و دیگر مباحث مربوط به تکامل زیستن جانوران مورد بحث و تأیید قرار گرفته و با اسلام و قرآن تطبیق داده شده است .

برخی از صاحب نظران جمله نخست این کتاب را به عنوان نطفه انحراف های بعدی سازمان نقل و نقد کرده اند ، جمله مزبور چنین است :
" جهان چیزی نیست مگر ماده در حال حرکت .

تک :

یک ، تنها ، یکه .

تک روی :

حرکتی که فرد به تنهایی و خارج از مسیر جمعی افراد و ضوابط تشکیلات سر خود انجام می داد ، مثلاً وقتی می گفتند فلانی تک روی می کند ، یعنی در انجام کارها به ضوابط تشکیلاتی و حرف مسئولش در تشکیلات اهمیتی قائل نشده و سر خود کار می کند .

تک پایه :

یک پایه ، مجاهدین می گفتند جمهوری اسلامی قبل از حذف بنی صدر دو پایه بود و با حذف وی یک پایه شد ، یعنی یک دست شد و گرایش های مخالف خود را در حاکمیت کنار زد و بعد از حذف بنی صدر سنگینی و ثقل جمهوری اسلامی ایران روی یک پا متمرکز شده که با یک " تنه " و " ضربه " به زمین خواهد خورد .

تک نمود :

یک نمود ، اتفاق یا موضوعی که به شکل مستمر و جریان وار ظاهر نشده و صرفاً یک بار پیش آمده یا اتفاق می افتد . <----- نمود .

تله گذاری :

اصطلاحی که معادل " کمین " و " شبیخون " به کار می رود و تقریباً به معنی " غافل گیری " است که در سیستم های نظامی مطرح می شود

تماس :

تماس گرفتن ، ملاقات کردن ، تماس در تشکیلات یا حضوری در سر قرار و خانه تیمی صورت می گرفت و یا از طریق تلفن .

تنبيه / تنبيه تشکیلاتی :

وقتی فردی در تشکیلات خطایی انجام می داد وی را تنبيه می کردند ، یعنی جریمه ای برای وی در نظر می گرفتند ، این تنبيهات یا با افزودن کار اجرایی بود یا تنبيه بدنی مانند شلاق زدن ، که به دلیل فشرده و سنگین شدن هژمونی تشکیلات روی افراد به مرور تنبيهات نیز شکل متکامل تری به خود گرفته جنبه های روحی و روانی را نیز در بر گرفت .

تناقض داشتن :

ناهمسویی موردی با موازین تشکیلات ، یا دو موضوع مغایر با هم را پذیرفتن و یا انجام دادن ، این امر از مباحث " غیر ارزشی " در تشکیلات محسوب شده و افراد ترغیب می شوند به این که قاطعانه ! " تناقضات " را در هم شکسته و یکسویه عمل کنند و همیشه تناقضات به نفع تشکیلات باید حل شود .

تنظیم رابطه :

ایجاد تعادل در ارتباطات تشکیلاتی ، به خصوص رابطه بالا به پایین (مسئول با تحت مسئول) یا دانستن و عمل کردن به رفتاری که در جای مناسب رفتار متناسب با آن را داشته باشند ، عمدتاً علم برخورد با رده بالاتر و رده پایین تر و فرد هم رده .

تنگه خردگنی :

این اصطلاح ظاهراً بین قماربازان رواج داشته است و بدین معنی است که تنگه شخص را که (احتمالاً به مفهوم کل دارایی و ذخیره افراد قمارباز است) معمولاً خرد می کنند و بدین وسیله فرد اتکای به خود را از دست داده دچار تزلزل و ضعف روحی خواهد شد و چه بسا که تا انتها بیازد .

در اصطلاح تشکیلاتی در سالهای پیش از انقلاب مفهومی در همین حدود داشته است ، بهرام آرام از مسئولان بالا عضو رهبری در نیمه اول سال ۵۵ به افراد تحت مسئولیت خویش در " شاخه گسترش و تصفیه " این موضوع را آموزش داده و گفته است :

” مسئول بایستی تنگه تحت مسئولیتش را خرد کند ، در غیر این صورت به خصوص اگر فرد تحت مسئولیت قدری زبل و تیز هم باشد سوار مسئول خواهد شد و مسئول دیگر نمی تواند او را اداره کند .”

مفهوم تنگه خرد کنی در ردیف ” ماست خورگیری ” و ” روکم کنی ” و بود و مجموعاً در خدمت تخریب روحی و شکستن شخصیت افراد برای این که هر چه زودتر و بهتر به مهره مورد لزوم تشکیلات بدل شوند . نیز <-----> **روکم کنی و ماست خورگیری .**

توان :

قدرت ، زور ، یارایی .

توان سیاسی :

قدرت برخورد با مسائل سیاسی و درک مسائل مربوط به آن .

توان تشکیلاتی :

قدرت انجام کار با رعایت ضوابط تشکیلاتی و حل مسائل و مشکلات مربوط به آن در تشکیلات و به طور اخص قدرت سازماندهی افراد جهت رسیدن به راندمان کاری بالا .

توان اجرایی :

قدرت انجام کارهای اجرایی و حل و فصل مشکلات و پیشبرد کارها در اسرع وقت و به بهترین شکل .

توان حل مسئله :

قدرت بر طرف کردن مسائل و مشکلات پیش آمده در کار .

توان برخورد :

قدرت برخورد . نیز <-----> **برخورد .**

توان اثبات :

از اصطلاحات ارزشی مربوط به وظایف تشکیلاتی .

توجیه :

فهماندن ، روشن کردن ، عملاً این کار در تشکیلات به نحوی اعمال می شد که می توان آن را کوشش در جهت درست جلوه دادن خطوط و عملکردهای سازمانی عنوان نمود .

توحید / توحید پوچ و بی محتوا / توحید ناب و خالص :

اعتقاد به وحدت و یگانگی پروردگار ، در تشکیلات مطرح می شد که ما موحد هستیم و توحید مورد اعتقاد ما ناب و خالص است ، چون تبلور آن را در جامعه و تمامی ابعاد اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی آن خواستار می باشیم ، در صورتی که سایرین که خود را مسلمان می دانند توحیدشان پوچ و بی محتوا است .

چون آنان معتقد به استثمار و سرمایه داری هستند و مانع تبلور و تجسم توحید و یگانگی در جامعه هستند ، همچنین از این دیدگاه مجاهدین مارکسیست ها را به توحید و خداشناسی نزدیکتر از مسلمین می دانستند ، که از سرمایه داری حمایت می کنند و اینها همه اعتقاداتی بود که ناشی از دیدگاه طبقاتی و ماتریالیستی آنان ناشی می شد.

توده :

منظور مردم و طبقات و اقشار پایین و متوسط جامعه است .

تور :

به مفهوم تله ، هر گاه در تشکیلات افراد یک قسمت تحت مراقبت یا تعقیب و مراقبت نیروهای انتظامی قرار می گرفتند و نمونه ای دال بر این مسئله مشاهده می شد می گفتند که آن افراد در تور قرار دارند .

و به تعبیری به کار گرفتن مجموعه ای از تله ها و بستن راههای فرار را تور می گویند ، به شکلی که فرد خود را در محاصره احساس کند .

توی گیومه بودن :

محدود بودن ، به عنوان مثال : زن توی گیومه یعنی زن عادی و خانه دار .

تیپ

:

اصطلاح تیپ در تشکیلات در مورد ویژگی ها و توانایی های خاص افراد در زمینه های مختلف به کار می رفت ، مثلاً می گفتند فلان فرد تیپ سیاسی است ، یعنی مسائل سیاسی را خوب می داند یا خوب درک می کند یا خوب تجزیه و تحلیل می کند .

یا این که تیپ اطلاعاتی است ، یعنی با هر قضیه و مسئله اطلاعاتی می تواند خوب برخورد ، بررسی و تجزیه و تحلیل کند و سعی دارد اطلاعات لازم را در عین رازداری کسب نماید .

تیپ کمی / تیپ کیفی :

یک فرد اگر در کارها به کیفیت توجه کند یا خودش دارای خصوصیات خاصی باشد که بتواند کارهای کیفی و با اهمیت را انجام دهد تیپ کیفی است ، مثلاً کسی که قدرت اداره و برخورد با چندین نفر را به خوبی داشت به او تیپ کیفی می گفتند و در صورتی که صرفاً قادر به انجام کارهای اجرایی بود به او تیپ کمی می گفتند .

همچنین این تمایز در مورد کسانی که دارای قدرت فکر ، ابداع و اختراع بودند مطرح می شد ، به این صورت که به این قبیل افراد " کیفی " و به افرادی که از این خصوصیات بی بهره بودند " کمی " گفته می شد .

تیپ اجرایی :

بیشتر از بقیه جنبه ها در کار اجرایی مهارت دارد .

تیپ صادق :

افرادی که یکرنگ و درستگو بودند و همیشه در گزارشات خود و در برخوردها صادقانه با مسائل خود و دیگران برخورد می کردند .

تیپ مطمئن :

منظور کسانی اند که از نظر اطلاعاتی قابل اعتماد و اطمینان بودند .

تیپ تشکیلاتی :

کسانی که پایبند به تشکیلات بودند و در قبال تشکیلات اظهار وجود نمی کردند و موازین تشکیلات را کاملاً رعایت می کردند .

تیر خلاص زن اوین :

لقبی است که در تبلیغات اوین در نشریه و رادیو به سعید شاهسوندی (جدا شده از سازمان) می دادند و مدعی بودند که او تا آنجا در همکاری با نظام پیش رفته است که تیر خلاص زن اعدامی ها در زندان اوین شده است .

تیز بودن / تیز کردن :

حساس بودن ، حساس کردن .

تیزترین وجه :

شق یا وجه بحث یا تحلیل ، مهم ترین و بارزترین قسمت بحث .

تیز کردن رهبری :

شاخص کردن رهبری ، عمده کردن ، مطرح نمودن و غلو کردن در مورد رهبری سازمان .

تیزی موضوع را گرفتن :

حساسیت و شاخصیت را از موضوع مشخصی کاستن ، فی المثل در مقطعی مسئولان " روابط " تحت فشار قرار می گیرند و خلع رده می شوند و سپس یکی از مسئولان بالا یا شخص رهبری دستور کم کردن فشار را صادر می کند و مثلاً می گویند : " تیزی موضوع فلانی را بگیرید "

تیم :

در تشکیلات برای انجام کارهای اجرایی ، نیروهای هوادار در مجموعه های ۴ _ ۳ نفری و حتی برای بعضی کارها در مجموعه های ۲ نفری سازماندهی می شدند و این مجموعه ها را تیم می نامیدند .

هر تیم یک مسئول داشت به نام سر تیم که کارها را به وسیله بقیه افراد تیم انجام می داد و در عین حال مسئولیت کنترل کارها را نیز به عهده داشت ، در تیم های دو نفره یک نفر سر تیم و دیگر عضو تیم است .

تیم بندی :

تقسیم بندی و سازماندهی افراد در مجموعه ۳ الی ۴ نفره برای انجام یک کار را تیم بندی می گفتند .

تیم تدارکات :

تیمی که احتیاجات صنفی یا تدارکات نظامی را برطرف می کرد تیم تدارکات خوانده می شد ، که اگر به امور صنفی اشتغال داشت تیم تدارکات صنفی و در صورتی که به تهیه ملزومات نظامی می پرداختند تیم تدارکات نظامی به شمار می آمد .

تیم تبلیغات :

تیمی که کارش شعار نویسی ، فروش کتاب و نوار و پوستر ، بخش اعلامیه ، گرفتن پلاکارد در خیابان ، چسباندن اعلامیه و پوستر و بود .

تیم شناسایی :

تیمی که کارش شناسایی و جمع آوری اطلاعات در مورد یک محل یا یک فرد باشد .

تیم نظامی :

تیمی که کارش ترور ، بمب گذاری ، کوکتل اندازی و هر عمل تروریستی دیگر باشد ، البته به تیم های نظامی پس از شروع عملیات تروریستی واحد عملیاتی نیز می گفتند .

تیم ایدایی :

تیمی که کارش آزار و اذیت مردم به انحاء مختلف بود . نیز -----<ایدایی .

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۰۳



ثبات :

پایداری ، استواری ، " تشکیلات ما اکنون از حالت ثبات برخوردار است . " ، " ما از هر نظر از ثبات سیاسی خوبی برخورداریم . "

ما از حالت ثبات خوبی برخورداریم :

در زمینه ایدئولوژی ، سیاسی و تشکیلاتی از استواری و پابرجایی و پایداری خوبی برخورداریم .

ثمره انقلاب :

از اصطلاحات ارزشی سازمان در حوزه استراتژی که بیانگر کارکرد مثبت انقلابهای ایدئولوژیک است ، عنوانی است که به نتایج مثبتی که از بعضی امور پس از انقلاب ایدئولوژی حاصل می گشت ، گفته می شد . نیز -----<انقلاب ایدئولوژیک .

ثمره عقیدتی :

از اصطلاحات ارزشی سازمان در حوزه ایدئولوژی ، بدین معنی که انقلاب ایدئولوژی در سازمان فوائد و ثمرات عینی داشته است .

نمره نسل فردا :

از اصطلاحات ارزشی سازمان که بیانگر کارکرد مثبت اعضای جدید است . در این خصوص <-----> نسل فردا .

ج

جا انداختن / جا افتادگی :

فهماندن یک موضوع به کسی ، توجیه یک مطلب برای افراد یا مردم با صحبت و بیان یا عملکرد چیزی را به دیگران نشان دادن ، (یک بار یا به دفعات) .

جاافتادگی ، حالتی که یک فرد در معاشرتها و برخوردها از خود نشان می دهد که همان خبرگی و ایستادگی و واردی را در آن برخورد و معاشرت نشان می دهد .

جا افتادن :

حل شدن در سازمان .

جاده انقلاب :

خط مشی استراتژیک سازمان .

جاذبه و دافعه :

این اصطلاح در حال حاضر رایج نیست ، ولی به دلیل سابقه تاریخی آن بیان می شود ، خصوصیت و ویژگی و صفتی که باعث کشیده شدن و رانده شدن افراد و جریانها به یکدیگر می شود .

مثلاً در تشکیلات گفته می شد اگر ما در آغاز پیروزی موضع خودمان را در قبال خط امام مشخص می کردیم برایمان دافعه داشت و نیروها و مردم از گردمان پراکنده می شدند ، و یا عنوان می شد که برگزاری میتینگ و سخنرانی و کلاسهای ایدئولوژی در مساجد برای ما ایجاد جاذبه می کند یا این که نسبت به ما ایجاد جاذبه می کند ، یعنی باعث کشیده شدن عده ای به طرف ما می شود .

جاسازی :

برای حمل مدارک و سلاح لازم بود که افراد تشکیلاتی آن را طوری مخفی کنند که در نظر اول قابل رؤیت برای دیگران نباشد و در صورت بازرسی بدنی یا بازرسی در منزل و محل کار کشف نشود .

مخفی کردن مدارک و سلاح را اصطلاحاً جاسازی می گفتند ، جاسازی انواع و اقسام داشت ، اما کلاً بر دو نوع بود : " جاسازی ثابت و جاسازی متحرک " .

جاسازی ثابت :

جاسازی مورد استفاده در خانه های تیمی یا شرکت های پوششی را که داخل دیوار یا درون میز ، صندلی و مبلمان تعبیه می شد ، جاسازی ثابت بودند و یا به جاسازی های تعبیه شده در انبارها و آب انبارها و خانه های مسکونی قدیمی و نیز جاسازی ثابت می گفتند .

جاسازی متحرک :

جاسازی هایی بود که همراه فرد به صورت پیاده یا در داخل ماشین جابجا می شد ، لباس ، کفش ، کلاسور ، جلد کتاب و داخل صابون و بسته دستمال کاغذی و هر جسمی که دارای فضایی داخلی و خارجی بود برای مخفی کردن سلاح و مدارک از آن استفاده می شد . یا در برخی از مواقع در میان اجسام توپر جای خالی ایجاد می کردند و در داخل آن شیء مورد نظر (مدرک یا سلاح) را جاسازی می کردند ، جاسازی را اصطلاحاً کتابخانه هم می گفتند .

جامعه بی طبقه توحیدی :

جامعه به اصطلاح ایده آل مجاهدین که مدعی مبارزه در راه رسیدن به آن بودند که این اصطلاح از دو قسمت " بی طبقه " مأخوذ از مارکسیست ها و " توحیدی " از مذهب توحیدی گرفته شده است .

جبهه / روابط جبهه ای :

همکاری ، همدستی ، اتحاد دو یا چند گروه سیاسی را که استراتژی مشترکی دارند ، حول خطوط استراتژیک مشترک و برای تحقق آن و رسیدن به هدف مطلوب می گویند ، روابط را در این گونه همکاری های جبهه ای می گویند .

مثلاً در تشکیلات ادعا می شد که ما برای شکست دادن امپریالیسم بایستی با نیروهای ضد امپریالیست جبهه متحدی ایجاد کنیم ، تشکیل شورای ملی مقاومت در فرانسه نیز در ادامه همین ادعا صورت گرفت .

البته در تشکیل جبهه از نظر مجاهدین وحدت استراتژیک اصل است و وحدت ایدئولوژیک مطرح نیست ، لذا در کنار آنان حزب دمکرات و سایرین نیز قرار دارند .

جذب :

کشش ، کشاندن ، کشاندن به سمت خود ، در تشکیلات تمامی افراد سعی بر جذب نیروهای دیگر را داشتند و حتی به طور خاص در بعضی مراحل مطرح می شد که در صدد جذب نیروهای جدید هستیم و برای این کار نیروهای بخش اجتماعی (خصوصاً) بسیج می شدند تا در جامعه و در میان دوستان و نزدیکان خود بگردند و افراد جدیدی را جذب نمایند و جهت پذیرش به سازمان معرفی نمایند .

جذب نیرو :

تلاش برای کشاندن نیروها و افراد به سمت تشکیلات.

جریان :

وقتی یک خصوصیت در فرد یا محیطی به طور پیوسته بروز کرده و به طور دائمی درآید به طوری که با آن خصوصیت شناخته شود ، می گویند آن خصوصیت برای آن فرد یا محیط به صورت جریانی است و صرفاً تک نمود نیست ، بلکه بر آن غالب و چیره است .

مثلاً هر گاه فردی دائماً در معاشرت های خود برخورد راحت طلبانه داشت می گفتند که این خصوصیت در او به صورت جریان در آمده است و تبدیل به جریان شده است ، همچنین به هر یک از گروه ها که در جامعه نفوذ و تأثیری داشتند یک جریان می گفتند .

با این توضیح که دیگر مسائل مطرح شده از طرف آنان به یک فرد و دو فرد بستگی ندارد بلکه به صورت یک جریان سیاسی ، فکری یا عقیدتی در جامعه مطرح شده اند .

جزوه سبز (جزوه های سبز) :

نشریه داخلی سازمان در طول سال ۵۳ ، بنا به گفته تقی شهبام علت این نامگذاری تصادفی بوده ، چرا که نخستین شماره این نشریه به دلیل کمبود کاغذ عادی روی کاغذ سبز رنگ تجارتي به چاپ رسید .

مفاد جزوه های سبز القای شبهه درباره اعتقادات مذهبی و میانی عقیدتی اسلامی اعضا و زمینه سازی برای جا انداختن تغییر ایدئولوژی بوده است ، که به تدریج با هماهنگی و آموزش مسئولان تشکیلاتی ، ضعف اعتقاد برخی از اعضا را به دنبال داشته و سرانجام آنان را به ورطه ارتداد در غلتانده است .

جعل :

معنی لغوی آن قرار دادن ، یافتن ، آفریدن و به وجود آوردن است و در اصطلاح به مشخصه و مشخصاتی که مطابق حقیقت و واقعیت نباشد گفته می شود ، مثلاً شناسنامه جعلی شناسنامه ای است که مشخصات مندرج در آن مشخصات حقیقی و واقعی فرد نبوده است ، یکی از قسمتهای نهاد امنیتی در هر بخش که به جعل شناسنامه و مدارک افراد می پرداختند همین قسمت جعل بوده است .

جمع بندی :

روی هم ریختن و نتیجه گیری واحد از چند موضوع و مطلب ، در تشکیلات رسم بر این بود که گزارشات مختلفی که در مورد یک کار ، یک موضوع و داده می شد روی هم ریخته شده و نتیجه گیری واحدی از آنها به دست می آمد .

این کار موجب می شد که با وجود مسائل پراکنده و مختلفی که در گزارشات مطرح شده نتیجه گیری واحدی به دست آید و تجارب شخصی کسب گردد و برای آینده کار خطوط جدیدی اتخاذ شود .

جمعیت داد : <----- جمعیت اقامه .

جمعیت اقامه :

از اصطلاح تشکلهای وابسته به سازمان که توسط جلال گنجه ای اداره می شود ، اهداف ادعایی این جمعیت حول معنویات ، آزادی ، حقوق بشر و دور می زند .

جناح :

ناحیه ، کرانه ، قسمت ، کناره ، لبه ، گرایشات مختلف در یک جریان اگر به حالت خاصی برسد که بتوان آن را به دو گرایش مختلف تفکیک نمود به هر یک از آنها یک جناح از جریان گفته می شود ، مثلاً در مورد حکومت آمریکا که دارای دو جناح " جمهوری خواه " و " دمکرات " است .

جنسیت داشتن :

باور داشت ذهنی به تفاوت تاریخی و ارزشی زن و مرد ، این اصطلاح پس از یکی از مراحل " انقلاب ایدئولوژیک " متداول شد .

نیز <----- انقلاب ایدئولوژیک .

جنگ چریک شهری :

نوعی از جنگ های چریکی و پارتیزانی که مرکز آن شهر است و با وجود همین فاکتور الزامات خاص خود را دارد ، خانه های تیمی ، اتاق های تکی ، انواع قرارها در کوچه و خیابان _ متحرک و ثابت ، علامت سلامتی و انواع آن ، تاکتیک های جنگ و گریز در کوچه و خیابان شهر ، حمله به بانک ها و دیگر مؤسسات دولتی ، ترور عوامل دولتی در خیابان های شهر با راه بندان و همه در مقیاس جنگ چریک شهری مفهوم دارد .

جنگ منطقه ای :

با توصیف رجوی جنگ منطقه ای جنگی است که با هدف آزادسازی (اشغال) منطقه و سپس محاصره شهرها از طریق روستاها ، متعلق به فرماسیون و صورت بندی اقتصادی _ اجتماعی نیمه فئودال و نیمه مستعمره است .

چنین جنگی دراز مدت است ، به زمین وابسته است و تحرک و سکون آن نسبی است و ذاتی غیر انقلابی دارد ، مثل حزب دمکرات که به زمین چسبیده است .

جو / جوسازی :

فضا ، جو سیاسی یعنی اوضاع و احوال سیاسی در جامعه ، جو سازی به معنای فعالیت در جهت ایجاد فضایی خاص برای پیشبرد مقاصد و اهداف تشکیلاتی درون جامعه یا تشکیلات ، مثلاً علم کردن چماقداری و جو سازی برای مخدوش کردن مسائل سیاسی جامعه و آماده سازی شرایط ذهنی جامعه برای ترور شخصیت ها و افراد مؤثر

جواب نداشتن :

به معنای کار بیپوده کردن یا در صدد انجام کاری بودن که مشخص است در انتها پاسخ مثبت ندارد ، درباره کاری که نتیجه مورد نظر را نداشته باشد می گویند فلان کار جواب ندارد یا جواب نداشت .

جوار خاک میهن :

تعبیری که درباره عراق و توجیه حضور مزدورانه سازمان در زمان جنگ در خاک دشمن به کار می رفت و می رود ، با این تعبیر سعی می شود که قبح حضور در عراق را در زمان جنگ با به کارگیری کلمه " خاک میهن " بریزند .

جوهر / جوهر مسئله :

مایه اصلی ، کنه و باطن هر چیز ، مثلاً گفته می شد جوهر تحلیل ها را برای انتقال به تحت مسئولین خود کمی رقیق کنید ، یعنی کنه و باطن را واضح بیان نکنید .

جهش ایدئولوژیک :

اصطلاحی است که نشانگر تغییرات و تحولات ایدئولوژیک سازمان است ، این تعبیر به طور اخص به جریان ازدواج مسعود و مریم قجر عضدانلو اطلاق می گردد ، تغییرات ناگهانی در سیستم فکری که منجر به گسست افراد می شود برای این که در اذهان دارای بار مثبت شود از کلمات و عبارات دارای بار مثبت برای پوشش استفاده می شود و آنچه که قبلاً تجدید نظر طلبی یا عبور از اصول و زیر پا گذاشتن اصول خوانده می شد با لفظ جهش ایدئولوژیک مثبت تلقی می شود ! نیز <----- انقلاب ایدئولوژیک .

جهش شگفت انگیز :

اصطلاحی است که به افرادی معطوف می شود که مراحل انقلاب ایدئولوژیک را به خوبی (مطابق تشخیص مسئول) درک کرده و به لحاظ فکری دیدگاهها و ارزش های مرسوم و شناخته شده قبلی را رها کرده مبنای فعلی و ترسیم شده جدید توسط سرکرده مجاهدین را قبول کرده و شدیدترین حملات را به مبانی قبلی ایدئولوژیک صورت می دهد. **فیز** -----> **انقلاب ایدئولوژیک**.

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۰۴



چپ

تند ، افراطی ، در تشکیلات چپ به معنی و مفهوم ترقی و پیشتاز و جلوتر از همه در مبارزه و انقلاب بود و نیروی چپ را نیروی انقلابی قلمداد می کردند ، همچنین مجاهدین مدعی بودند که چپ ترین چپها هستند و بقیه نیروها را بسته به نزدیکی شان به مواضع خود می سنجیدند .

چپ روی :

تندروی کردن ، افراطی عمل کردن ، زودتر از موعد حرکت کردن ، زودتر از موعد عمل یا موضع گیری کردن .

چپ نما :

این اصطلاحی بود که در مورد جریانی که در سال ۵۴ در درون تشکیلات به تغییر ایدئولوژی سازمان اقدام نمود ، اطلاق می شد و سازمان به این جریان "اپورتونیست چپ نما" می گفت .

مجاهدین برای این که به موضع گیری صریح در مقابل مارکسیست ها نیفتند ، جریان مارکسیست و چپ شده را چپ خطاب نکرده و آنها را چپ نما می نامیدند .

چتر حفاظتی :

ایجاد فضا و اوضاع و احوالی که افراد تشکیلات را محافظت و نگهداری کند ، مثلاً حمله کردن و تهاجم کردن به نیروهای انتظامی و ترورهای سال ۶۰ را مجاهدین دارای این خصوصیت می دانستند .

و می گفتند که این ترورها و عملیات موجب می شود تا نیروهای انتظامی از مراکز خود بیرون نیابند و این خود چتر حفاظتی افراد را بالا برده و مانع دستگیری آنان می شود ، به تعبیر دیگر عادی سازی و تردد با پوشش و محمل را ایجاد کننده چتر حفاظتی می دانستند .

چراغ / چراغ زدن / چراغ سبز :

وقتی علائمی از طرف یک جریان نسبت به جریان دیگر در جهت نزدیکی و تشریک مساعی و سازش و نرمش مشاهده می شد می گفتند که چراغ سبز می دهد یا چراغ می زند .

مثلاً در مورد برخی از موضع گیریهای بنی صدر که در سخنرانی های قبل از انتخابات خود داشت و نسبت به مجاهدین موضع قاطعی از خود نشان نداده بود و تلویحاً آنان را تأیید کرده بود ، گفته می شد که دکتر بنی صدر چراغ سبز نشان داده است .

چسب :

عامل پیوند بین افراد و یا دو چیز ، در تشکیلات گفته می شد که ایدئولوژی چسب تشکیلات است ، یعنی ایدئولوژی باعث پیوند خوردن افراد به تشکیلات می شود و روابط آنان را با یکدیگر محکم می کند .

مجاهدین در مراحل مختلف مصداق چسب را دگرگون کرده اند ، پیش از ضربه شهریور ۵۰ ایدئولوژی و اصل مبارزه چسب تشکیلات بود و پس از ضربه به تدریج اصل مبارزه و تبعیت از مرکز چسب قوی تر داشت و محور پیوند اعضا و نسبت آنها با تشکیلات به شمار می رفت . در دوره حاکمیت تقی شاهرام و دیگر مرتدین ، مرکزیت محور و چسب سازمان بود ، در مرحله فاز سیاسی که سازمان جدیدی پدید آمده بود باز ایدئولوژی و پس از آن قداست سازمان چسب تشکیلات بود .

پس از ۳۰ خرداد سال ۶۰ و به خصوص در دوران فرانسه نشینی و اقامت در عراق این رهبری است که چسب اصلی به شمار می رود ، اصطلاحاً گفته می شود که در این دوران چسبندگی رهبری بیش از ایدئولوژی است .

چشم انداز :

نام جزوه و بولتنی است که در تشکیلات قبل از شروع عملیات تروریستی برای مطالعه افراد داخلی و هواداران تشکیلاتی تکثیر و پخش می شد که حاوی تحلیل ها و اخبار سیاسی بود ، البته جزوه در تمامی سطوح درون تشکیلات مطالعه می شد .

چشم انداز سرنگونی :

آینده ای که قابل رؤیت است ، تعبیری از خواب و خیال های مکرر مجاهدین در خصوص سرنگونی جمهوری اسلامی است که اغلب در سخنان و نوشته های رجوی منعکس است .

چشم بسته :

اگر فردی قرار بود به خانه تیمی برود که محل و آدرس آن را نمی دانست و قرار بود آدرس و اطلاعاتی در مورد آن کسب نکند وی را چشم بسته و با اتومبیل به آنجا می بردند ، البته به این صورت که فرد موظف بود سرش را پایین بگیرد و اطراف خودش را نگاه نکند ، ضمناً در طول مدتی که آنجا بود موظف بود تا جلوی پنجره نرود ، تا آدرس آنجا را یاد نگرفته و اطلاعاتی از آن محل کسب نکند .

چفت :

درباره کسی به کار می رود که در سازمان حل شده ، نسبت به اطاعت از فرامین و مواضع تشکیلات و رهبری اهل تمکین است ، دچار هیچ تردید و انتقادی نمی شود ، مزاحمتی برای مسئولین خود فراهم نمی کند و به طور کلی " مسئله دار " نیست ، در میان سازمان مرسوم است که می گویند فلان کس با تشکیلات و سازمان چفت است ، ولی عمدتاً ارتباط برقرار کردن دو نفر و چفت شدن سر قرار معنا می دهد ، "قلوس" و " بریده " در مقابل آن است .

چک / چک کردن :

بررسی و کنترل کردن ، این اصطلاح در بررسی و کنترل وضعیت افراد خانه تیمی و به کار برده می شد .

چک قرار :

فردی که می خواست قراری را اجرا کند قبل از انجام قرار منطقه اجرای آن را از نظر امنیتی کنترل می کرد ، یا اگر فرد موقعیت بالایی در تشکیلات داشت فرد پایین تری را جلوتر از خود می فرستاد تا اگر قرار لو رفته باشد آن فرد دستگیر شود و خود وی ضربه نخورد و دستگیر نشود .

چک لیست :

هر فرد برای انجام کارهای مختلف خود امور مربوط به آن کار و وظایف افراد تحت مسئولیت خود را مشخص کرده و از روی آن جزئیات کارهای انجام شده و کارهایی که باید انجام شود را کنترل می کرد .

افراد مسئول برای تحت مسئولین خود که توانایی و کیفیت چندانی در این امور نداشته چک لیست تهیه می کردند و مراحل مختلف کار آنان را در روز یا هفته تعیین می کردند.

برای انجام کارهای مختلف در خانه های تیمی نیز برای جلوگیری از فراموشی در انجام کار لیست کارهایی را که به هنگام خروج از خانه تیمی و یا ترک در سر قرار می بایستی انجام شود روی کاغذهایی که به همین منظور تهیه شده بود نوشته و فرد موظف بود در هر محور از آن که کار مربوطه را انجام داده بود X بزند تا کاری فراموش نشود .

چکیده اخبار :

خلاصه اخبار مهم سیاسی را در جزوه و بولتنی که در تشکیلات خوانده می شد جمع آوری می کردند که در آن اخبار مهم سیاسی قید می شد ، این بولتن تا سطوح پایین در درون تشکیلات قابل مطالعه بود .

چنگ زدن به " حبل المتین " :

در تشکیلات مجاهدین ارتباط داشتن افراد با رهبری گروه ، اصلی ترین کانال به اصطلاح رستگاری و نجات ایدئولوژیک افراد محسوب می شود و آویختن افراد به رهبری گروه را به مثابه " حبل المتین " که دارای مفهومی ایدئولوژیک در دین اسلام می باشد می دانند .

چارچوب / چارچوب تشکیلاتی :

منظور محیطی است که به وسیله روابط و ضوابط تشکیلاتی محدود و معین گردیده است محیط و قالب و ظرفی که درون آن موازین تشکیلاتی حکم می کند .

حاد شدن :

بحرانی و پر اهمیت شدن ، شدت و حدت پیدا کردن ، قبل از ۳۰ خرداد سال ۶۰ گفته می شد " تضاد بنی صدر با جمهوری اسلامی حاد شده است ."

حاشیه :

کنار ، بیرون ، لبه ، حاشیه تشکیلات یعنی در بیرون و در کنار تشکیلات ، نیروی حاشیه ای یعنی فرد و نیرویی که هوادار بوده و در بیرون تشکیلات و خارج از روابط و ضوابط تشکیلاتی کار می کند . (نشریه می خواند ، امکانات می دهد و)

حاضر بودن :

اصطلاحی است درونی برای این که عنوان می کند گوینده کلمه " حاضر " آمادگی هر کاری را که به او محول شود ، دارد .

حاکمیت :

مراد از این کلمه جمهوری اسلامی ایران است .

حد / حد و مرز :

اندازه معین ، این مسئله در حد وی نیست یعنی این فرد توان یا صلاحیت شنیدن این مسئله را ندارد ، یا توان و صلاحیت حل آن را ندارد . حد و مرز ما با فلان سیستم و گروه مشخص است یعنی نقاط مشترک و غیر مشترک مشخص است و به عبارتی نقاط وحدت و تضاد ما مشخص است .

حرکت خود به خودی :

حرکتی که از درون یک پدیده به وجود می آید و عوامل خارجی در آن تأثیر ندارند ، برای حرکات و جنبش ها و اعتراضات اجتماعی فاقد رهبری به کار می رود و بیشتر از این جنبه است که ارزش و نتیجه کار را کم و بی فایده جلوه دهند .

حزب :

وقتی یک سازمان سیاسی با پایگاه طبقاتی خود تداخل کند و یکی شود از آن پس با آن سازمان حزب می گویند .

حساب پاک کردن :

تسویه حساب تشکیلاتی ، به معنی رفع اشکال های سازمانی یا خصلتی .

حسابرسی :

رسیدگی کردن ، در تشکیلات چنین مرسوم بود که هر فرد از وضعیت کار و برنامه های افراد تحت مسئولیت خود حسابرسی می کرد و نحوه انجام کار ، کیفیت و نتیجه کار را مورد بررسی قرار می داد .

همین طور در مورد کیفیت و رشد تشکیلاتی افراد نیز حسابرسی می شد که به اصطلاح حسابرسی تشکیلاتی نامیده می شد ، به علاوه افراد موظف بودند از کارهای خود هم حسابرسی شخصی نمایند .

حفاظت :

مواظبت ، نگهداری ، در تشکیلات نهادی وجود داشت به نام حفاظت که مراقبت و نگهداری و حفاظت از " مرکزیت " را به عهده داشت و در تردد افراد مرکزیت مسلحانه آنها را همراهی می کرد ، در خانه های تیمی و هر جای دیگری که عضوی از مرکزیت حضور داشت این افراد نیز حضور داشتند .

حفره زدن / حفره بیرون زدن :

اشکالی که در یک پدیده است و نهایتاً آشکار و نمودار می شود . **فیز** ----- < **لنگ زدن** .

حفظ خود :

به عنوان یک خط تشکیلاتی به اعضای تشکیلات گفته شده بود تا بتوانند به طور مقطعی و تا وصل شدن به تشکیلات خود را حفظ کنند و تنها وظیفه افراد در آن مقطع حفظ خود بود .

حل شدگی :

میزان پذیرش (فهمیدن و اجرا کردن) خطوط ایدئولوژی ، سیاسی ، تشکیلاتی و تاکتیک ها ، ضوابط و موازین تشکیلاتی ، به طور اخص حذف شدن فرد در روابط تشکیلاتی را می گویند و این که فرد در پیگیری مسائل اصلاً به خود توجه نداشته و تنها مصالح تشکیلات را مد نظر قرار داده است .

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۰۵

حلقه وصل :

این اصطلاح معادل " کلید وصل " و یا " کد " اتصال تشکیلاتی در قبل از انقلاب ایدئولوژیک و بین گروه های مبارز رژیم طاغوت بود ، ولی پس از ادواج مسعود و مریم تعبیری است که به مریم قجر عضدانلو اطلاق می شود ، بدین معنی که افراد نمی توانند خود مستقلاً به مسعود برسند بلکه باید از طریق مریم به او وصل شوند .

حل تضاد :

دچار تناقض بودن و این تناقض را مدتی به درون خود ریختن . **فیز** ----- < **تضاد حمل کردن** .

حل تناقضی :

دو وجه نامتناسب با یکدیگر را با هم داشتن و به نوعی " بار اضافه " حمل کردن ، یکی از وجوه نامتناسب از نظر تشکیلات را حذف نکردن ، به مفهوم حمل تناقض است . **فیز** ----- < **تناقض داشتن** .

خائن / خیانت :

فردی که به همه اصول ایدئولوژی ، سیاسی و تشکیلاتی پشت پا زده و با معرفی خود افراد را لو داده ، اسرار سازمان را افشا می کند . در حال حاضر به هر فردی که از سازمان جدا شود و خط مشی مسلحانه سازمان را قبول نداشته باشد خائن اطلاق می شود ، در تعریف خیانت تا مرزی پیش رفته اند که گفته می شود خیانت این است که هر آنچه که در درون و قلب خود داری به مسئول بالاتر نگوئی .

خارج از روابط بودن :

قطع ارتباط های منظم تشکیلاتی ، تکذیب وابستگی فردی به تشکیلات به طور اخص درباره فردی که تقید ایدئولوژیک و هواداری دارد ولی در لایه های درونی تشکیلات به دلایلی حضور ندارد به کار برده می شود .

خارج از مدار بودن :

از حیطة مدارهای تشکیلاتی بیرون بودن ، نسبت به " تصمیمات " و اوامر تشکیلات توجیه نبودن ، عملکرد مستقل و بیرون از ضوابط تشکیلات داشتن .

خارج از مناسبات بودن :

منظور از مناسبات ، چارچوب های موضوعه سازمان و سلسله مراتب تشکیلاتی است ، از این اصطلاح بیشتر در مورد کسانی استفاده می شود که به زعم همسویی با سازمان از چارچوب روابط منظم تشکیلاتی بیرون اند .

خارجی :

در قاموس سازمان این اصطلاح در مورد خاص " اروپا و آمریکا " به کار می رود .

خاستگاه / خاستگاه طبقاتی :

طبقه ای که فرد از آنجا برخاسته است و در آنجا رشد کرده و به حد بلوغ رسیده است ، خاستگاه طبقاتی با " پایگاه طبقاتی " فرق می کند ، ممکن است فردی خاستگاه طبقاتی اش سرمایه داری و " پایگاه طبقاتی اش " طبقه کارگر باشد .

خانه پشت جبهه :

به اتاق تکی هایی اطلاق می شد که افراد اجازه می کردند و گاهی اوقات بدانجا می رفتند ، ولی زندگی اصلی شان در " خانه تیمی " بود ، این خانه های پشت جبهه به خصوص مورد استفاده زنانی در تشکیلات بود که وقتی یک تخلیه پیش می آمده جایی برای اقامت نداشتند . نیز ----- < **اتاق تکی** .

خبر سلامتی :

قبل از ۳۰ خرداد سال ۶۰ و بعد از آن افراد تشکیلاتی موظف بودند خبر سلامت خود را به قسمت مربوطه بدهند ، (به وسیله قرار یا تلفن یا گذاشتن یک علامت مشخص در یک محل و مکان مخصوص) به این کار خبر سلامتی گفته می شد . مجموعه خبر سلامتی ها به وسیله مسئول هر قسمت کنترل می شد ، این عمل به خصوص بعد از ۳۰ خرداد اهمیت ویژه ای داشت و اگر فردی ضربه خورده بود و خبر سلامتی نمی داد برای جلوگیری از انتقال ضربه به افراد و قمستهای دیگر اطلاعات وی " پاک " می شد . معمولاً خبر سلامتی به وسیله تلفن داده می شد ، هر قسمت یک مرکز تلفن داشت که افراد به آنجا تلفن زده خبر سلامتی خود و افراد تحت مسئولیت خویش را می دادند .

خبرگیری :

سیستم خبر و گزارش و جمع آوری اخبار از امور ستادی است ، در هر ستاد هر " نهاد " و " بخش " گروه خبر و گزارش مستقر بود و اخباری که می رسید به این گروه سپرده می شد تا برای بهره برداری آماده شود .
در مجموع سیستم ارسال اخبار مناسب با پیچیدگی ساختاری سازمان در سال های پس از پیروزی انقلاب از کانال های تشکیلاتی جمع آوری می شد و در اختیار ستادها قرار می گرفت .

خرده بورژوازی :

اصطلاحاً به آن دسته از تولید کنندگان کوچک کالا می گویند که از استثمار کار دیگران زیست نمی کنند ، بسیاری از پیشه وران ، صاحبان حرف و دهقانان صاحب زمین از این دسته اند ، خرده بورژوازی قشر واسطه بین بورژوازی و " پرولتاریا " است که عده کمی از آن در جریان تکامل سرمایه داری مبدل به سرمایه دار می شوند و قسمت اعظم آن به تدریج به کارگر و کارگر کشاورز مبدل می شوند .
از جهت اقتصادی و اجتماعی ، کارمندان دولت و مؤسسات خصوصی نیز جزء خرده بورژوازی به شمار می روند .
پیش از انقلاب مشی چریکی به گونه ای بود که افراد چریک خود را یک سر و گردن و حتی بیش از آن از مردم عادی و افراد غیر چریک بالاتر احساس می کردند که این ویژگی در عمق و روح مشی چریکی بود .

خرده بورژوازی چپ :

یعنی قشری از خرده بورژوازی که از نظر مواضع سیاسی مترقی هستند .

خرده بورژوازی راست :

به معنی مواضع ارتجاعی و متمایل به سرمایه داری از ناحیه این طبقه است .

خرده بورژوازی سنتی :

منظور اقشاری از این طبقه است که از ابزار کار و شیوه های قدیمی و سنتی برای تولید استفاده می کنند .

خرده بورژوازی راست سنتی با گرایشات شبه فئودالی :

در این قشر علاوه بر گرایشات سنتی نوعی گرایشات ملوک الطوائفی و خود رأیی نیز اضافه می شود .

خشیم انقلابی :

انزجار زیاد ، انزجار دگم ، از تعبیری است که در فرهنگ مجاهدین کاربرد وسیعی دارد و بازتاب دهنده وجه احساسی جریان تقابلی و تنافری و ضدیت کور است .

خصلت / خصلتی :

ویژگی و صفت ، خصوصیت فردی ، بروز ویژگیهای فردی فرد که هم جهت خطوط و حرکت جمع یا جامعه نباشد ، مثلاً برتری طلبی یا خود بزرگ بینی نوعی از خصلت است به چنین افرادی خصلتی می گفتند .

خط / خطوط :

موضوع ، مفاهیم و مسیرهای مشخص کننده یک موضوع ایدئولوژی _ سیاسی ، اعم از اجرایی و کیفی .

خط پاسدار گشی :

یکی از خطوط و شیوه های تاکتیک مرحله ای مجاهدین در سال های اولیه آغاز جنگ مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران .
-----> عملیات گسترده _ زدن سرانگشتان رژیم .

خط خروج :

این اصطلاح به فرار گسترده در پاییز سال ۶۱ به خارج از کشور گفته می شود ، توضیح این که در پی ضربات بزرگ و هولناک بهار و

تابستان سال ۶۱ به سازمان که متقابلاً از سوی سازمان " عملیات مهندسی " (شکنجه و زنده به گور کردن پاسداران کمیته انقلاب اسلامی) را به دنبال داشت و به خصوص پس از اجرای همزمان طرح "مالک و مستأجر" دادستانی انقلاب و "گشت ثارالله" سپاه پاسداران ، مرکزیت و رهبری سازمان به این نتیجه رسید که نیروهای قلیل خود را به هر قیمتی حفظ کند و از این رو خط خروج به افراد وابسته به سازمان منتقل شد و فرار گسترده مجاهدین از کشور آغاز گردید .

خط دادن :

ارائه رهنمود به افراد پایین تر ، مثلاً اگر یک تیم نظامی می خواست یک عمل نظامی انجام دهد ابتدا فرد مسئول برای آنها یک تحلیل سیاسی می داد بعد سوژه ترور شونده و شناسایی وی و را می داد ، به این کار خط دادن گفته می شد .

خط دار :

هدفدار ، حرکت آگاهانه و هدفدار ، فرد یا موضوعی که راه و مسیر و طرز تفکر مشخصی دارد .

خط مشی :

به مشی و طریقه معین و مشخصاً به خط مشی سیاسی ، ایدئولوژیک و نظامی سازمان در هر مرحله اطلاق می شد .

خط زندگی :

فردی را که اهل مبارزه نبود و به فکر زندگی عادی بود " در خط زندگی " می گفتند و به کسی که هدفش زندگی عادی و غیر سیاسی بود می گفتند در خط زندگی است .

خط منطقه :

پس از شکست تاکتیک های پی در پی سازمان در فاصله ۳۰ خرداد تا اوایل زمستان سال ۶۰ رهبری مجاهدین به توهمی از نوع توهم های پیشین دچار شد و خط منطقه را به بخشی از نیروهای عملیاتی خویش انتقال داد .
خط منطقه مشخصاً به کردستان و منطقه مرزی ایران و عراق اطلاق می شد .

خلق / خلق ها :

این کلمه به جای کلمه مردم به کار برده می شد و به مفهوم مجموعه طبقات و اقشار متوسط و پایین جامعه بود ، به قومیت های مختلف نیز خلق گفته می شود ، مثل خلق کرد ، خلق ترکمن و

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۰۶

خلع رده :

باز پس گرفتن مسئولیت از یک عضو مسئول ، تنزل مرتبه تشکیلاتی .

خلوص ایدئولوژیک :

به انجام کار برای تشکیلات به همراه اخلاصی که بر اساس آموزه های ایدئولوژیک صورت می گیرد گفته می شد .

خواهر :

اصطلاحی که به مسئول زن در تشکیلات و گاه به طور اخص به مریم قجر عضدانلو اطلاق می شود ، مثلاً وقتی گفته می شود خواهر و نام مشخصی پس از آن عنوان نمی شود مشخصاً مریم قجر عضدانلو مد نظر است .

خواهر مریم :

از عناوین عام مریم قجر عضدانلو در سازمان .

خود بزرگ بینی / خود بزرگ بین :

ویژگی و خصوصیت فردی که شخصیت و موقعیت خود را بیش از آنچه که در واقع هست تصور می کند و فکر می کند توانایی او بیش از کاری است که بر عهده اش گذاشته شده است .

خود به خودی :

به تنهایی و بدون عامل خارجی ، همان حرکت خود به خودی است ، به حرکت اتفاقی و بدون برنامه ریزی و نا هدفمند نیز گفته می شود .

خود جوشی :

حرکت درون زا و بدون هدایت بیرونی .

خود کم بینی / خود کم بین :

مقابل خود بزرگ بینی ، توان و شخصیت خود را کمتر از واقع تصور کردن .

خود محور :

به فرد یا جریانی که به تنهایی و از روی استنباط شخصی عمل می کرد و به خطوط و گفته های تشکیلات طرفی نمی بست ، خود محور می گفتند .

خیانت / خیانت کردن :

در شرایط پس از انقلاب ایدئولوژیک استعمال این تعبیر بستگی به رده فرد دارد ، فی المثل خیانت کردن در حد مرکزیت یعنی عدم انطباق تام با مسعود رجوی ، هر گونه عمل یا حرکت که مورد نظر و قبول سازمان و رهبری آن نشود خیانت تلقی می شود .

خیز :

حرکت سریع و هدفمند که با استفاده از اصل غافلگیری صورت می گیرد ، این تعبیر اغلب در صحبت‌های رجوی به کار می رود و به معنی عملیات ناگهانی و تقریباً مترادف یورش است ، مثلاً می گفت : " خیز اول برای تسخیر تهران ، خیز آخر هم هست ."

خیزش :

حرکت سریع مردم ، شورش های اجتماعی را نیز خیزش عنوان می کنند ، مجاهدین ابتدای هر نوع حرکت اعتراضی را خیزش می نامند .

خیلی ملات بودن :

شوخی طبع بودن ، به کسی که چنین حالتی دارد گفته می شود تو خیلی ملاتی ! به مفهوم فوق العاده و خاص و قابل توجه بودن نیز هست .



درک ایدئولوژیک :

باورمندی به مبانی ایدئولوژی سازمان ، و پس از مقطع انقلاب ایدئولوژیک یعنی حل شدن و انقیاد در برابر آن روند .

درگیری ذهنی :

معادل "گیر و پیچ داشتن" به مرز مسئله دار شدن رسیدن . نیز -----> **گیر و پیچ داشتن** .

دراز مدت / کوتاه مدت :

لفظی عام که در تشکیلات و در محاوره ها زیاد به کار می رود ، مدت زمانی طولانی یا زمان کم ، دراز مدت به مفهوم آینده نگری ، آینده و دور تر را دیدن .

درجه :

همان مفهوم بیرونی را دارد ، رتبه ، شاخص اهمیت یک مدرک یا فرد یا مثلاً مدرک درجه یک یعنی مدرکی که از نظر امنیتی مهم است .

درون تشکیلاتی / درونی :

موضوع یا رابطه ای که مربوط به درون تشکیلات و موازین و ضوابط تشکیلاتی است ، درونی یعنی داخلی ، روابط درونی و داخلی .

در هم گویده شدن :

اصطلاحی است که در انعکاس اخبار عملیات نظامی و شبه نظامی مجاهدین به کار می رود ، به عنوان نمونه : " با خمپاره باران مجاهدین خلق ، مقرر در هم گویده شده . " برای بیان حماسه گونه اعمال تروریستی سازمان بیشتر از این گونه اصطلاحات که نوعی بزرگ نمایی و آگراندیسمان تبلیغاتی است استفاده می شود .

دستگاه :

در تعبیر سازمان منظور از این اصطلاح " تشکیلات " است ، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی این اصطلاح توسط گروهها و نیروهای مبارز در مورد نظام شاهنشاهی به کار می رفت .

دستگاه جنسیت :

با دیدگاه و ذهنیت مبتنی بر تفاوت تاریخی زن و مرد به مسائل نگرستن ، مجموعه دیدگاه ها در مورد زن که با دیدگاه سازمان مغایر است .

نیز -----> **جنسیت ، تضاد جنسیت ، انقلاب ایدئولوژیک** .

دستگاه ضعیفگی :

دیدگاه و نظر گاهی که زن را ضعیف تر از مرد می داند .

دستگاه عوض کردن :

مجموعه دیدگاه ها و تفکرات را تغییر دادن و با شرایط جدید منطبق شدن ، اقتباس از فرهنگ موسیقایی (که این تعبیر به معنی از یک مجموعه هماهنگ ملودیک به مجموعه ای دیگر رفتن) ، به معنی استعداد تغییر ذهنی نسبت به یک مسئله : " توی باغ نیستی ، دستگاهت را عوض کن تا وارد باغ بشوی ! "

دفتر :

منظور از دفتر محل فعالیت و محل تجمع افراد یک قسمت بود ، گاهی نیز به مفهوم محلی که مرکزیت یک بخش در آن جمع می شدند به کار برده می شد .

دفتر سیاسی :

ارگانی که از مقطعی پیش از انقلاب ایدئولوژیک به جای " مرکزیت " نشست و مجموعه مسئولان رده اول سازمان را در بر می گرفت ،

بالاترین ارگان و مجموعه تصمیم گیرنده در تشکیلات سیاسی که بالاترین رده ها نیز آن را اداره می کنند ، کار دفتر سیاسی رتق و فتق امور سیاسی بود .

دفتری (تشکیلاتی) :

در نهاد دانش آموزی به قسمت تشکیلاتی نهاد ، دفتری می گفتند .

دگورازه :

واژه ای فرانسوی به معنی " به هم ریخته شدن " است ، ورود اصطلاحات فرانسوی یادگار حضور مرکزیت در پاریس و تأثیرات فرهنگی آن است ، منظور به هم ریختن اوضاع و احوال یک فرد است .

دگم / دگماتیسیم / دگماتیک :

جمود فکری ، عدم توجه به شرایط ، وقتی فردی یا جریانی بدون توجه به شرایط زمانی و مکانی فکر و موضع گیری کرده و راه حل می دهد می گویند دگم است و این مرام و مکتب را دگماتیسیم می گویند .
دگماتیسیم از واژه دگم به معنای حکم جامد و فرمان لایتغیر مشتق است و به آن شیوه و اسلوب تفکر اطلاق می شود که پایه آن مفاهیم تغییر ناپذیر فرمول ها و دستورهای متحجر ، بدون توجه به شرایط متغیر زمان و مکان است .
مارکسیست ها می گویند : " دگماتیسیم وابسته به اصول ضد دیالکتیکی است که تکامل و تحرک جهان و رشد اشیاء و پدیده ها را نفی می کند ، از نظر سیاسی دگماتیسیم منجر به عملی سکتاریستی ، تحجر ، نفی مارکسیسم خلاق ، ذهنی گری ، نادیده گرفتن حقایق موجود و شرایط تغییر یافته و جدایی کامل تئوری و عمل می شود .

دمکراسی / دمکراتیک / انقلاب دمکراتیک :

دمکراسی یعنی آزادی و دمکراتیک به مفهوم آزادی خواهی و آزادی پروری ، انقلاب دمکراتیک به مفهوم انقلاب با شرکت تمام اقشار و طبقات مردم است ، تحلیل سازمان این بود که بعد از سقوط رژیم شاه مرحله مبارزه با امپریالیسم است که انقلاب دمکراتیک نامیده شده و تمام اقشار و طبقات " خلق " در این مبارزه شرکت می کنند و وجه بارز آن آزادی خواهی است .

دنیای خواهر مریم :

مجموعه موضوعاتی که در ارتباط با ازدواج مسعود و مریم در خصوص شأن واسطه مریم فجر عضدانلو (---<حلقه وصل) توسط شخص رجوی و نیز مهدی ابریشمچی مطرح می گردید ، " وارد دنیای خواهر مریم شدن " یعنی پذیرش نقش وی به روایت رجوی .
در حقیقت به پذیرش هژمونی و رهبری زنان می گویند که سمبل آن " مریم " است و " مریم " سمبل زنانی است که به هژمونی زنان باور دارند و عملاً آن را انجام می دهند ، حتی به شکل ظاهری و باسمة ای و تحمیلی !

دوبله بودن :

به مفهوم کارکرد فردی است که عملاً به جای دو نفر کار می کند .

دور زدن :

مستقیماً روی قضیه نرفتن _ قرار نگرفتن ، برخورد مستقیم با موضوعی نکردن و یا نادیده گرفتن موضوعی که به ضرر فرد باشد .

دو پایه :

سیستم و نظامی که دو جریان یا گروه یا مجموعه فکری مختلف در آن در کنار هم حاکمیت دارند.

دوری و نزدیکی نیروها از هم و نسبت به هم :

منظور اتحاد و اختلاف نیروهای سیاسی نسبت به هم از نظر مواضع سیاسی _ ایدئولوژیک بود ، در این دیدگاه مجاهدین و فدایی ها از نظر مواضع استراتژیک نزدیکی زیادی به هم داشتند .

دور کند کردن :

از جدیت و اکتیو بودن در بعضی فعالیتها کاستن ، به کندی فعالیت کردن .

دوگانه بودن :

تردید و شک در استراتژی ، در موضع تشکیلاتی جدید جا نیفتادن ، در مقابل " یگانه " شدن با موضوعی یعنی فرد آنچنان در خصوص موضوع توجیه شده و آن را قبول دارد که موضوع را موضوع خودش می داند و با آن یگانه است .

دهی (" ده " ی) :

آنتراکت ساعت ۱۰ ، " ساعت دهی " بوده ، که مخفف آن را دهی می گویند .

دیالکتیک / دیالکتیکی / دیالکتیک در کادر توحید :

دیالکتیک در مفهوم لغوی جدل و گفتگو است و در اصطلاحات سیاسی همان مبحث معروف مارکسیستی مورد نظر است ، اصول دیالکتیک تغییر و حرکت ، تضاد و تکامل ، تأثیر متقابل می باشد .
قبول دیالکتیک در کادر توحید از ابداعات مجاهدین بود که این کار تلفیقی از مفاهیم مارکسیستی و برداشتهای سطحی از قرآن بود و دقیقاً مبنای " التقاطی " دارد .

دیپلماسی انقلابی :

پس از شکست های مکرر مجاهدین در مقطع فاز نظامی دهه ۱۳۶۰ به ابتکار رجوی و ابتدا در پوشش " شورای ملی مقاومت " حرکت هایی آغاز گردید که توسط مخالفین سازمان در خارج از کشور ، از آن به " گدایی و دریوزه سیاسی " تعبیر شد .
عناصر سازمان اعم از هواداران انجمن های وابسته یا نمایندگان رسمی رجوی در سطح اروپا و آمریکا دوره می گشتند و از هر شخصیت سیاسی غربی (حزبی ، پارلمانی ، اجرایی ، چپ ، راست ، لیبرال و) حمایت می طلبیدند .
در ادامه این تاکتیک شخصی را به نام سید محمد سیدالمحدثین که از ابتدای عضویت در سازمان به روحیه " جنت مکانی " ، " پشت هم اندازی " و " لابی بازی " اشتها داشت به عنوان مسئول روابط خارجی سازمان (به زعم آنها معادل وزیر خارجه) نصب کردند ، این پروسه از سوی سازمان تحت عنوان دیپلماسی انقلابی نامگذاری گردید .
این اصطلاح در سالهای ابتدایی بعد از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ متداول شد و سپس بعد از جا افتادن این خط و پاک کردن روحیه " ضد آمریکایی " در تشکیلات این اصطلاح که عملاً پوشش فعالیتهای سیاسی بود منسوخ گردید .

دید / دید داشتن :

قدرت توانایی سیاسی داشتن ، توانایی بررسی و فهم مسائل سیاسی ، به افراد آگاه در مسائل سیاسی می گویند که " دید سیاسی " دارد ، البته این اصطلاح عام است و خاص سازمان نیست .

دیسپلین :

نظم و انضباط خشک و سخت (شبیه نظام انضباطی ارتش ها) در گروه مجاهدین تا حدی مترادف با انضباط آهنین و از جمله میزان ها و فاکتورهایی است که در حساب رسی هواداران و اعضا به شدت لحاظ می شود .

دیکتاتوری پرولتاریا :

این اصطلاح نخستین بار توسط کارل مارکس بنیانگذار مارکسیسم به کار رفت ، او در مانیفست کمونیست نوشت : " مبارزه طبقاتی ناگزیر به دیکتاتوری پرولتاریا می انجامد و دولت دوران گذار چیز دیگری جز دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا نمی تواند باشد " .
لنین تأکید داشت که این امر مسئله عمده مارکسیسم است و در برابر دمکراسی بورژوازی که بیانگر منافع اقلیت استثمارگر است ، دیکتاتوری پرولتاریا را عرضه می کرد که به زعم او نوع جدید و عالیتر دمکراسی و بیانگر منافع اکثریت قاطع مردم است .
دمکراسی توده ای (خلقی) مترادف و شکل جدیدتر دیکتاتوری پرولتاریاست که پس از جنگ جهانی دوم پدید آمد و در عنوان کشورهای کمونیست نیز ذکر شده ، مثل جمهوری دمکراتیک توده ای خلق یمن ، (یمن جنوبی) و
مارکسیست ها می گفتند پس از عبور از سرمایه داری و در جریان استقرار سوسیالیسم حکومت نماینده پرولتاریاست و باید اعمال

قدرت کند و صداها و اندیشه های دیگر را خاموش سازد .
این اصطلاح تقریباً بعد از پیروزی انقلاب به عنوان اصطلاح عام در تشکیلات مطرح نبود .

دینامیزم / دینامیک :

مقابل " استاتیک " (جمود) ، به معنی متحرک ، فعال و زنده ، علم حرکت ، چگونگی رشد و پویایی ، مجاهدین یک بحث ایدئولوژی تحت عنوان " دینامیسم قرآن " داشتند .

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۰۸



ذوب شدن :

حل شدن در تشکیلات و اوامر آن را بدون چون و چرا قبول کردن .

ذهنی / ذهنی بودن :

به افرادی می گویند که تصورات غیر واقعی از موضوعات دارند ، مقابل عینی و عینی بودن طرح موضوع یا نظری در مورد عمل یا کاری که قبلاً انجام یا امتحان نشده باشد ، به فردی که این مسائل را مطرح می کرد اصطلاحاً می گفتند که این ذهنی است و ذهنیت دارد .
مجاهدین در این مورد تابع مارکسیست ها بودند و آنچه را که در ذهن آدمی است انعکاس جهان عینی می دانستند ، اینان ذهنی گرایی (سوپژکتویسم) را در برابر عینی گرایی قرار می دادند و گرایش ایده آلیستی می شمردند . نیز -----> عینی ، عینی بودن .

ذهنیت داشتن :

مسئله دار شدن (بودن) در تشکیلات ، در حقیقت " ذهنیت منفی " داشتن را می گویند .